

**ORIGINAL ARTICLE****The Effective Components of Parks in Promoting People's Sense of Belonging During the Covid-19 Pandemic, Case Study: Parks in West Ferdous Neighborhood in District 5 of Tehran****Seyedeh Mahsa Bagheri¹, Leila Sadat Hamidian Divkolai^{2*}, Zahra Ahmadipour³**

1. Ph.D. Department of Architecture and Urban Planning, University of Art, Tehran, Iran.

2. Lecture, Department of Architecture and Urban Planning, Technical and Vocational University (TVU), Tehran, Iran.

3. MSc. Department of Art and Architecture, University of Kashan, Kashan, Iran.

Correspondence

Leila Sadat Hamidian Divkolai
Email: lhamidian56@gmail.com

Receive: 27/ Dec/2022

Revise: 21/Oct/2023

Accept: 04/July/2024

How to cite

Bagheri, S.M., Hamidian Divkolai, L.S., & Ahmadipour, Z. (2025). The Effective Components of Parks in Promoting People's Sense of Belonging During the Covid-19 Pandemic, Case Study: Parks in West Ferdous Neighborhood in District 5 of Tehran. *Urban Ecological Research*, 15(4), 127, 150.

ABSTRACT

Sense of belonging is connection between a person and a place and Parks can promote this sense. In recent years, the covid-19 epidemic has limited the presence of people in parks. Occurrence of psychological diseases, reduction of social interactions and responsibility, and sense of belonging are some of the consequences of this. Therefore, the purpose of this research was to identify and evaluate the effective components of parks in promoting people's sense of belonging during the covid-19 pandemic and Three local parks - Goldasht, Ferdous, and parvaz- in west Ferdous neighborhood in District 5 of Tehran were selected for study and 25 effective items were examined under two non-physical and physical components. Data collection was done by content analysis and Delphi method and their study was done by survey method and researcher-made questionnaire tool and by distributing 300 questionnaires. Respondents were classified in terms of age, frequency of visit the park, length of residence in the neighborhood, and having children. The data was analyzed with SPSS20 software and with mean and standard deviation analysis, Friedman test, One-way ANOVA, and independent-sample T-Test. The findings showed that the sense of security, the distance between the park and the house, and the quality of the green space had the greatest effect on promoting the sense of belonging during the Covid-19 pandemic. Also, the results indicated that age, frequency of visit the park, length of residence in the neighborhood, and having children made a significant difference in the responses of the respondents to some items.

KEYWORDS

Sense of Belonging, Park, Covid-19, Physical Component, Non-Physical Component.





«مقاله پژوهشی»

مؤلفه‌های مؤثر بوستان‌ها بر ارتقای حس تعلق به محله در دوران همه‌گیری کووید ۱۹، نمونه‌های موردی: بوستان‌های محله فردوس غرب در منطقه ۵ تهران

سیده مهسا باقری^۱، لیلا سادات حمیدیان دیوکالایی^{۲*}، زهرا احمدی پور^۳

چکیده

حس تعلق یکی از احساسات مثبت انسان نسبت به محله خویش است و بوستان‌های محلی می‌توانند بستری برای ایجاد و ارتقا این حس باشند. همه‌گیری کووید-۱۹ در سال‌های اخیر با کاهش حضور افراد در مکان‌های مختلف محله از جمله بوستان‌ها موجب بروز مشکلات روان‌شناختی، کاهش تعاملات اجتماعی و حس تعلق افراد به محله گشته است. لذا هدف این پژوهش شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بوستان‌ها در ارتقای حس تعلق افراد به محله در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ بود و بر همین اساس سه بوستان محلی گلدشت، فردوس، و پرواز در محله فردوس غرب تهران برای مطالعه انتخاب شد. ۲۵ گویه مؤثر در ارتقای حس تعلق افراد به محله در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ در بوستان‌ها، ذیل مؤلفه‌های کالبدی و غیرکالبدی، مورد بررسی قرار گرفت. گردآوری مؤلفه‌ها و گویه‌ها با روش تحلیل محتوا و دلفی و مطالعه آن‌ها با روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه محقق‌ساخته و با توزیع ۳۰۰ پرسشنامه صورت پذیرفت و به طبقه‌بندی پرسش‌شوندگان از نظر سن، میزان مراجعه به بوستان، مدت سکونت در محله، و دارا بودن کودک پرداخته شد. داده‌ها با نرم‌افزار SPSS20 و با مطالعه میانگین و انحراف معیار و آزمون‌های فریدمن، واریانس یک‌طرفه، و تی مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که حس امنیت، فاصله بوستان تا محل سکونت، کیفیت پوشش گیاهی و فضاهای طبیعی به ترتیب دارای بیشترین تأثیر در ارتقای حس تعلق افراد در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ بودند. همچنین سن، میزان مراجعه به بوستان، مدت سکونت در محله و دارا بودن کودک تفاوت معناداری را در پاسخ پرسش‌شوندگان به برخی گویه‌ها ایجاد کرد.

واژگان کلیدی

حس تعلق، بوستان، کووید-۱۹، مؤلفه کالبدی، مؤلفه غیرکالبدی.

۱. دکتر، گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.
۲. مربی، گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران.
۳. کارشناسی ارشد، گروه هنر و معماری، کاشان، ایران.

نویسنده مسئول: لیلا سادات حمیدیان دیوکالایی
رایانامه: lhamidian56@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۴

استناد به این مقاله:

باقری، سیده مهسا؛ حمیدیان دیوکالایی، لیلا و احمدی پور، زهرا (۱۴۰۳). مؤلفه‌های مؤثر بوستان‌ها بر ارتقاء حس تعلق به محله در دوران همه‌گیری کووید-۱۹، نمونه‌های موردی: بوستان‌های محله فردوس غرب در منطقه ۵ تهران. فصلنامه علمی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، ۱۵(۴)، ۱۲۷-۱۵۰.



مقدمه

روند توسعه بسیاری از شهرهای معاصر، بویژه شهرهای بزرگ، نشان می‌دهد که توسعه نابسامان مناطق مسکونی و محلات شهری آن‌ها را در معرض از دست دادن هویت و شخصیت دیرینه خود قرار داده و موجب پیدایش احساس بیگانگی بین مردم و محیط زندگی گشته است (فاضلیان و قاسمی، ۱۳۹۲؛ Hanna, 1958). بحران‌های حاصل از زندگی مدرن در برخی شهرها موجب پدید آمدن بی‌مکان‌ها یا لامکان‌ها شده‌اند. منظور از بی‌مکانی تأکید بر کیفیت یکسان مکان است. جایی که میان این‌جا و آن‌جا برای فرد تفاوتی وجود ندارد (شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۵). در مقابل برخی مکان‌ها نیز وجود دارند که لامکان نیستند و قادرند در انسان تعلق خاطری را نسبت به خود به‌وجود آورند. این تعلق که حاصل حضور در مکان است، موجب انس و پیوند با مکان، احترام به آن، تداوم حضور در آن، و گسترش ارتباط و تعامل با آن می‌شود (سرمدست و متوسلی، ۱۳۸۹؛ اقبالی و همکاران، ۱۳۹۵؛ غفوریان و همکاران، ۱۳۹۶؛ Steele, 1981). تعلق ساکنان به مکان‌های مختلف یک محله، خاطرات جمعی از آن و موضوعاتی از قبیل آسایش و آرامش، خودمانی بودن، و امکان ایجاد تعاملات اجتماعی از شرایط هویت‌مندی محلات است (نادری، ۱۳۹۳؛ قاسمی، ۱۳۸۳). علاوه بر آن حس تعلق، نقش عمده‌ای در ایجاد و بالا بردن سطح مسئولیت‌پذیری، همکاری و خودیاری ساکنان محلات دارد و با افزایش تعلق شهروندان به محله، میزان مشارکت آن‌ها در مدیریت شهری بیشتر می‌شود (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۸؛ فاضلیان و قاسمی، ۱۳۹۲).

از طرفی گسترش ویروس کووید-۱۹ در سال‌های اخیر در کنار آمار بالای مرگ و میر حاصل از آن در سراسر جهان تأثیرات منفی عاطفی و روانشناختی بسیاری داشت (Yang et al., 2020 & Wang et al., 2020 & Shigemura et al., 2020). در بسیاری از کشورها قرنطینه افراد، مداخلات روانشناختی و تشویق به انزوای اجتماعی در جهت شیوع حداقلی بیماری صورت پذیرفت. در نتیجه تشویق به حفظ فاصله و انزوای اجتماعی، شهروندان سراسر جهان بیشتر عجله داشتند تا از محیط شهری فاصله بگیرند و به خانه‌های خود روند (عربانی و باور، ۱۳۹۹). در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ در داخل کشور در بسیاری از روزنامه‌ها، جراید، خبرگزاری‌های اینترنتی و مراکز پژوهشی صحبت از تقویت گفتمان‌های ضدتراکم شد. فضاهای عمومی مانند پارک‌ها، بوستان‌ها، ورزشگاه‌ها و... محدود و یا تعطیل شدند و بسیاری از جراید و مراکز پژوهشی چون مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران^۱ و

روزنامه آراز آذربایجان نسبت به تحدید حضور افراد در محله، تضعیف حس تعلق به محلات و شهرها و افزایش شهروندان خنثی و بی-تفاوت تذکر دادند. دوران همه‌گیری موجب شد که دولت‌های مختلف به تدوین دستورالعمل و برنامه‌هایی برای این دوران و حتی بیماری‌های همه‌گیر بعدی بپردازند. این همه‌گیری همچنین تأثیرات قابل‌توجهی بر معماری و برنامه‌ریزی شهری داشت (Haleem et al., 2020). گویا محیط مصنوع انسان از فضاهای کوچک داخلی گرفته

مکان‌های عمومی شهرها و محلات بازنگری می‌شد. چنان که در قرن چهاردهم همه‌گیری طاعون موجب پیشرفت‌های شهری دوران رنسانس، و حذف شهرها و محله‌های شلوغ و افزایش فضاهای عمومی بزرگ شد. همچنین در قرن بیستم بیماری عفونی سل و تیفوئید به‌عنوان محرک‌های نوسازی شهری بودند و معماران طراحی و برنامه‌ریزی مناسب شهری را راه‌حل مقابله با این بیماری‌ها معرفی کردند (عربانی و باور، ۱۳۹۹؛ Chang, 2020؛ Lubell, 2020).

با این مقدمات پرواضح است که یکی از مهم‌ترین مسئله‌های طراحان و برنامه‌ریزان شهری در این دوران، تقویت احساس مشارکت، ارتباط، مسئولیت‌پذیری، و دغدغه‌مندی مردم در محلات باشد و بخشی از این ارتباط و دغدغه‌مندی در سایه ارتقای حس تعلق افراد به محله خویش ایجاد می‌گردد. یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر محله بوستان‌های آن است. مطالعات متعددی نشان می‌دهد که بوستان‌ها و فضاهای سبز محلی و شهری می‌تواند موجب کاهش استرس، افزایش پاسخ‌های عاطفی مثبت و ارتباط حسی با محله و افزایش حس تعلق به آن شود. بوستان‌های محلی همچنین می‌توانند به یک واسطه ارتباطی قوی برای تعامل بین افراد در محله تبدیل شوند و از این طریق به‌عنوان مکانی خاص با ویژگی‌های متمایز از دیگر مکان‌های آن محله محسوب گردند و در نهایت احساس تعلق فرد را نسبت به آن محله برانگیزند (سیاوش‌پور و همکاران، ۱۳۹۵؛ داعی‌پور، ۱۳۹۳؛ علی‌عباس‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱؛ Hamid and Babamiri, 2012).

بنا بر آنچه آمد، هدف اصلی این پژوهش ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بوستان‌ها در ارتقای حس تعلق افراد به محله در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ بوده است. به‌طور کلی در این پژوهش سعی شد که پاسخی برای پرسش ذیل ارائه گردد:

مؤلفه‌های مؤثر بوستان‌ها در ارتقای حس تعلق افراد به محله در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ چگونه‌اند؟

مبانی نظری

چارچوب نظری

در چارچوب نظری این پژوهش نخست به تبیین حس مکان، حس تعلق به مکان و مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد حس تعلق به مکان پرداخته شد و سپس با مینا قرار دادن مدل کانتر و نظریات رلف مدل مفهومی پژوهش ارائه گردید.

حس مکان: محیط علاوه بر عناصر کالبدی شامل پیام‌ها، معانی، و رمزهایی است که مردم بر اساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل آن را رمزگشایی و درک می‌کنند و در مورد آن به قضاوت می‌پردازند. این حس کلی، که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می‌آید، حس مکان نامیده می‌شود (سرمدست و متوسلی، ۱۳۸۹). حس مکان شخص را در ارتباط درونی با محیط خود قرار می‌دهد، به‌طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود؛ از مفاهیم فرهنگی موردنظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای اهداف می‌شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌گردد (فلاح، ۱۳۸۵). حس مکان انگیزه ماندگاری را در محیطی خاص تقویت می‌کند که این حس عامل مهمی در هماهنگی فرد و محیط بوده و باعث بهره‌برداری بهتر از محیط، رضایت استفاده‌کنندگان و در نهایت احساس تعلق آن‌ها با محیط و تداوم حضور در آن می‌شود (سرمدست و متوسلی، ۱۳۸۹).

حس تعلق به مکان: پاکزاد بخشی از شخصیت وجودی هر انسان را، که هویت فردی او را می‌سازد، مکانی می‌داند که خود را با آن می‌شناسد و به دیگران می‌شناساند. او معتقد است انسان هنگامی که درباره خود فکر می‌کند، خود را متصل به مکانی می‌داند که در آن زیست می‌کند (پاکزاد، ۱۳۷۵: ۱۰۴). درک محیط و دریافت معنای آن می‌تواند به تجربه مکان ختم شود که سطح عالی فهم محیط است. انسان محیط را تنها در ذهن خود ثبت نمی‌کند؛ بلکه به احساسات خود در محیط اهمیت می‌دهد. به محیط احساس دل‌بستگی و تعلق پیدا می‌کند و از راه درک تشابهات محیط با ارزش‌های خویشتن خویش، مکان را تجربه می‌کند (شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۵). با این مقدمات بدیهی است که در منابع و تحقیقات موجود در خصوص حس مکان، مفهوم حس مکان اغلب با تأکید بر حس تعلق یا وابستگی به مکان همراه باشد (Knox & Pinch, 2000) تعلق به مکان در واقع سطح بالاتری از حس مکان است که در بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده و مهمی دارد (سرمدست و متوسلی،

۱۳۸۹)، به عبارت دیگر انسان با مکان انس می‌گیرد و به آن دلبسته می‌شود. دل‌بستگی یا تعلق به مکان فراتر از استقرار در یک مکان است. این حس منجر به پیوند فرد با مکان شده و در آن، انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و برپایه تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها و شخصیت‌ها، نقشی برای مکان در ذهن خود متصور می‌شود و مکان برای او قابل احترام می‌گردد. احساس تعلق به مکان در حقیقت منتج از ادراک و حس مکان است. (Steele & Aqbal, 1981) و همکاران، ۱۳۹۵). از نگاه پدیدارشناسان، حس تعلق به معنای پیوندی محکم و عاملی تأثیرگذار میان مردم و مکان است که این پیوند به صورت مثبت بوده و سبب گسترش عمق ارتباط و تعامل فرد با محیط می‌گردد و با گذر زمان عمق و گسترش می‌یابد (غفوریان و همکاران، ۱۳۹۶) تعلق به مکان به‌عنوان پیوندی مؤثر که مردم با قرارگاه‌های مکانی برقرار می‌کنند؛ جایی که آن‌ها تمایل به ماندن دارند؛ و جایی که آن‌ها احساس راحتی و امنیت دارند تعریف می‌شود (Kamalipour et al., 2012).

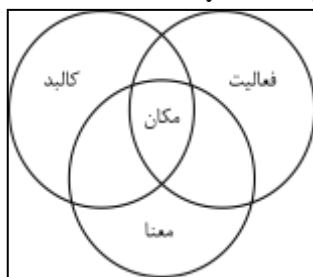
تعلق مکانی زمانی که از سطح تجربه‌های احساسی افراد گذر کند، می‌تواند با احساس مشترک جمعی در محدوده فضایی وسیع‌تری گسترده شود و تا فداکاری برای حفظ مکان پیش رود. این سطوح حس تعلق به مکان حتی می‌تواند شکل جمعی به خود گیرد (شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۵).

مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد حس تعلق: توانایی محیط برای برانگیختن حس تعلق افراد به عوامل متعددی بستگی دارد. در منابع موجود در این زمینه به تعدادی از این عوامل یا مؤلفه‌ها اشاره شده است.

ریچر و لاوارک (۱۹۸۱) به نقش اساسی مؤلفه کالبدی حس تعلق به مکان اشاره می‌کنند. به‌زعم ایشان افراد هر محیطی را به همراه عناصر کالبدی آن می‌شناسند و بدان دلبسته می‌شوند (Riger & Lavrakas, 1981). استیل نیز ضمن تأکید بر نقش عوامل کالبدی در ادراک و حس مکان، این عوامل را شامل مواردی چون اندازه، درجه محصوریت، رنگ، بو، صدا، تضاد، مقیاس، تناسب، بافت، و تنوع بصری می‌داند (Steele, 1981). بر اساس مدل کانتر کیفیت هر مکان نتیجه روابط متقابل و برآیند بین سه عامل در هم تنیده ویژگی‌های کالبدی، معانی و مفاهیم، و رفتار انسانی است (Canter, 1977). به‌زعم کانتر همچنین ارزش‌های فردی و جمعی بر چگونگی روابط انسان با مکان تأثیرگذار است (Canter, 1977). رلف کیفیت فضا را ناشی از توجه به سه خصوصیت محدوده کالبدی، فعالیت، و معنا می‌داند و معتقد است پیوند انسان با مکان می‌تواند با گذر زمان گسترش و عمق یابد (Relf, 1976). گوستافسون مبتنی بر نظریات کانتر و

تسهیلات در مکان در ذیل عوامل عینی می‌گنجد. عوامل ذهنی در این طبقه‌بندی خود به دو دسته عمده فردی و اجتماعی- فرهنگی تقسیم شده است. عوامل فردی با هویت فرد در ارتباط هستند و بر پیوندهای حسی فرد با یک مکان خاص (عناصر خاص در مکان، تاریخچه، خاطرات و...) تکیه دارند و عوامل اجتماعی مؤثر بر حس تعلق به مکان، عواملی هستند که ریشه در تجارب و خاطرات مشترک اجتماعی دارند (قبران و همکاران، ۱۳۹۷). سرمست و متوسلی نیز عوامل مؤثر بر حس تعلق افراد به مکان را شامل عوامل ادراکی-شناختی و عوامل کالبدی دانسته‌اند (سرمست و متوسلی، ۱۳۸۹: ۱۳۹). جوان فروزنده و مطلبی عوامل شکل‌دهنده حس تعلق را شامل عوامل ادراکی-شناختی فردی، عوامل اجتماعی، و عوامل محیطی- کالبدی دانسته‌اند. ایشان عوامل ادراکی-شناختی فردی را به ادراک خودآگاه و ناخودآگاه فرد از مکان تعبیر کرده و وابسته به عوامل کالبدی محیط دانسته‌اند. عوامل اجتماعی به‌زعم این پژوهشگران شامل فرهنگ، نمادها، و نشانه‌های شهری بوده است. در عوامل محیطی-کالبدی، ایجاد تعلق نسبت به محیط با تأکید بر دو عامل فعالیت و کالبد مدنظر بوده است. فعالیت‌های حاکم در یک محیط بر اساس عوامل اجتماعی، کنش‌ها و تعاملات عمومی، و کالبد به همراه متغیرهای فرم و ساماندهی اجزا ارزیابی می‌شود. (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰).

مدل مفهومی پژوهش: در این پژوهش مدل کانتور و نظریات رلف که در آن کیفیت مکان به عوامل درهم‌تنیده‌ای چون ویژگی‌های کالبدی، معانی و مفاهیم، و عوامل انسانی و فعالیت‌ها وابسته بوده است به‌عنوان مبنا در نظر گرفته شد. مدل کانتور یکی از متداول‌ترین مدل‌ها برای مکان و شهر است (ابی‌زاده، ۱۴۰۰: ۶۸). مکان در مدل کانتور تلفیقی از "کالبد"، "فعالیت" و "معنا" است که به وسیله نقطه تلاقی سه حوزه منطبق که بر محیط فیزیکی، رفتار و مفاهیم دلالت دارند نشان داده می‌شود (دیواندری و همکاران، ۱۳۹۷). شکل ۱ مدل مکان کانتور را نشان می‌دهد.



شکل ۱. مدل مکان کانتور (دیواندری و همکاران، ۱۳۹۷) با اقتباس از (مندگاری، ۱۳۹۱)

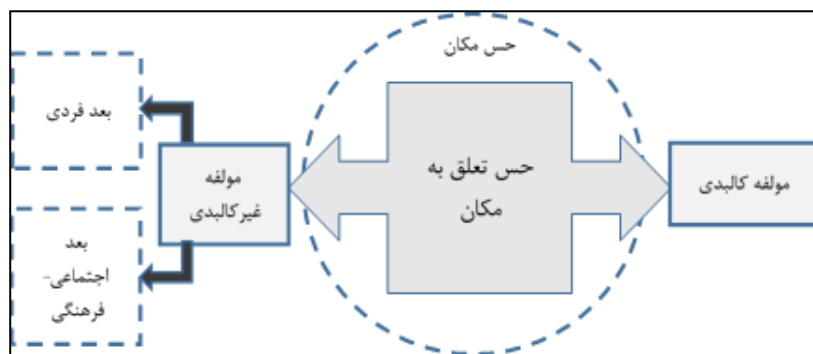
رلف، سه قطب فرد، دیگران، و محیط را به‌منظور خلق معنی در محیط ضروری دانست. (Gustafson, 2001). همچنین در پژوهش‌های دیگری نیز بونایتو و همکاران (۱۹۹۹) و هیدالگو و همکاران (۲۰۰۱) به رابطه مدت ارتباط افراد با مکان و ایجاد تعلق نسبت بدان اشاراتی داشته‌اند (Hidalgo et al., 2001; Bonaiuto et al., 1999). اسکئل و گیفورد تعلق مکانی را در سه بعد فرد، فرآیند، و مکان آورده‌اند. و معتقدند که تعلق مکانی به صورت پیوندهای عاطفی در ابعاد مذکور رخ می‌دهد. به بیان دیگر تعلق مکانی که در مقیاس‌های مختلف از کشور گرفته تا خانه رخ می‌دهد می‌تواند به صورت فردی و یا گروهی و در محیط اجتماعی و یا فیزیکی و به صورت یک فرایند عاطفی، شناختی و رفتاری ایجاد گردد (بهرام‌پور و مدیری، ۱۳۹۳: Gifford & Scannell).

در سال‌های اخیر پژوهشگران بسیاری نیز در داخل کشور به دسته‌بندی و مطالعه عوامل مؤثر در ایجاد حس تعلق افراد به محیط بر مبنای منابع دسته اول مربوط پرداخته‌اند. همچون بزی و همکاران که شاخص‌های تعلق به مکان را شامل تعلق احساسی، تعلق کارکردی، و تعلق مفهومی دانسته‌اند. (بزی و همکاران، ۱۳۹۳) ایشان تعلق احساسی را شامل مؤلفه‌هایی چون احساس راحتی در مکان، مهم بودن مکان، متمایز بودن مکان، و افتخار به مکان از منظر فرد آورده‌اند. تعلق کارکردی از منظر ایشان شامل لذت بردن از مکان، احساس امنیت، امکان توصیف مکان و ... بوده است. همچنین در تعلق مفهومی به مکان به مؤلفه‌هایی چون سازگار بودن مکان با سبک زندگی افراد، خاطرات کهن، و علاقه افراد در مکان به یکدیگر اشاره داشته‌اند. قبران و همکاران عوامل مؤثر در ایجاد حس تعلق افراد به مکان را شامل عوامل عینی و عوامل ذهنی دانسته‌اند. ایشان عوامل عینی مؤثر بر حس تعلق به مکان را شامل مواردی چون بستر طرح، عناصر طبیعی و انسان- ساخت، و فعالیت‌های فضا نام برده‌اند. در طبقه‌بندی ایشان مؤلفه‌های کالبدی مؤثر در ایجاد حس تعلق به مکان همچون موقعیت قرارگیری، نحوه ارتباط با پیرامون، و وجود خدمات و

می‌دهد و شامل ویژگی‌های شکلی (حجم، نما، اندازه، روابط

در این مدل کالبد موجودیتی عینی و زمینه‌های فیزیکی را نشان

آن کیفیت مکان به عوامل درهم‌تنیده‌ای چون ویژگی‌های کالبدی، معانی و مفاهیم، و عوامل انسانی و فعالیت‌ها وابسته بوده است، مؤلفه غیرکالبدی در دو بعد فردی و بعد اجتماعی-فرهنگی مورد مطالعه قرار گرفت. مؤلفه کالبدی، مربوط به ویژگی‌ها و مشخصات فضایی و محیطی طبیعی و انسان‌ساخت مؤثر بوستان‌ها در ارتقای حس تعلق افراد به محله بوده است. در مؤلفه غیرکالبدی، در بعد فردی، ارزش‌های، تجرب، احساسات، پیوندها، و خاطرات فردی افراد در بوستان و در بعد اجتماعی-فرهنگی، نمادها، هنجارها، فعالیت‌ها، رفتارها، و ارزش‌های جمعی افراد مدنظر قرار گرفت. شکل ۲، مدل مفهومی پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش

نتیجه روابط متقابل میان سه عامل انسانی، معانی و مفاهیم، و در نهایت مشخصات کالبدی آن مکان است (Canter, 1977). اوت (۱۹۷۸) به نگارش کتابی در باب شاخص‌های محیطی پرداخته است. وی در این کتاب که با عنوان *شاخص‌های محیطی: تئوری و عمل* نگاشته شده است، در نتایج خود اذعان داشته است که کیفیت محیط به ادراک انسان از اجزای سازنده آن وابسته است (Ott, 1978).

راپاپورت (۱۹۸۱)، در کتاب خود *یعنی هویت و محیط: دیدگاه بین‌فرهنگی*، به معنای فضا پرداخته است. نتایج این کتاب بر تعاملات اجتماعی، توجه به سنت، خوانایی فضا، امنیت، تراکم مطلوب فضا، و حافظه مکان و معنای فضا تأکید دارد (Rapoport, 1981).

چوگول (۲۰۰۸)، در پژوهش خود با عنوان *توسعه پایدار محلی*، به همین عنوان پرداخته است. نتایج این پژوهش بر فعالیت جمعی، تعامل اجتماعی، احساس تعلق، مشارکت، حمایت متقابل، امنیت، و دسترسی به تسهیلات به‌منظور توسعه پایدار محلی تأکید می‌کند (Choguill, 2008).

درونی فضاها، هندسه (...)، اسباب و اثاثیه داخلی و قابلیت‌های محیطی (آب، درخت، باد، نور و...) را در برمی‌گیرد و بدون حضور انسان همچون موجودی مستقل وجود دارد. فعالیت، مجموعه رفتارهای انسانی را که به صورت وضعیت‌های مختلف بدنی و حالات روانی و نیز روابط میان فعالیت‌های مختلف ظهور می‌یابد، شامل می‌شود. معنا نیز رابطه عاطفی، تصورات ذهنی، استنباطات و... را در بر می‌گیرد (مندگاری، ۱۳۹۱؛ دیوانداری و همکاران، ۱۳۹۷).

براساس مطالعات انجام پذیرفته، در این پژوهش نیز به‌منظور بررسی حس تعلق افراد در بوستان‌های مورد مطالعه در دوران همه‌گیری کووید-۱۹، نخست دو مؤلفه کالبدی و غیرکالبدی تعریف گردید. سپس با استناد به مدل کانتر و نظریات رلف که در

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مختلفی در خصوص رابطه تعاملی کیفیت محیط زندگی و انسان و تأثیرات محیط بر انسان، ارتقای حس تعلق انسان نسبت به یک مکان، بخصوص در دوران بیماری‌های همه‌گیر، و تأثیرات بوستان‌ها، فضاهای سبز، و باغ‌ها بر انسان و به‌ویژه بر ارتقای حس تعلق وی به مکان انجام شده است. پژوهشگران بسیاری به ماهیت تعاملی بین کیفیت محیط و انسان پرداختند.

جیکوبز (۱۳۹۲) به کتابی با عنوان *مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی* پرداخته است. نتایج آن امنیت، سرزندگی، عدالت اجتماعی، توجه به مقیاس انسانی، و تعاملات اجتماعی در محیط را از عوامل مؤثر بر انسان معرفی می‌کند (جیکوبز، ۱۳۹۲).

پروتوس (۱۹۷۱)، به نگارش کتابی با عنوان *طراحی با مردم: کیفیت محیط شهری* پرداخته است. نتایج این کتاب بیانگر آن بوده است که کیفیت محیط در تعامل با نگرش‌ها و ارزش‌های افراد و ادراکات ذهنی ایشان است (Proteous, 1971).

کانتر (۱۹۷۷)، در کتابی با عنوان *روانشناسی مکان*، یک مکان را شامل فعالیت، قرارگاه کالبدی، و معانی آن می‌داند. براساس نتایج این کتاب، در مدل کانتر کیفیت یک محیط و یا به عبارتی مکان،

دارد. نتایج حاصل از این کتاب سه خصوصیت محدوده کالبدی، فعالیت، و معنا را به‌عنوان مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد حس مکان و پیوند عاطفی بین مکان و انسان مطرح می‌کند؛ همچنین به مفهوم بی‌مکان یا لامکان‌ها به‌عنوان مکان‌هایی که انسان در آن تعلق خاطری را حس نمی‌کند نیز اشاراتی دارد (Relph, 1976).

آلتن (۱۹۹۲) در کتاب *تعلق به مکان*، این تعلق را فراتر از تجربه‌ی عاطفی و شناختی مکان برمی‌شمرد. نتایج این کتاب بیانگر آن است که عقاید فرهنگی و تجربه بلندمدت زندگی در مکان سبب ایجاد حس تعلق به مکان است (Low & Altman, 1992).

در کتاب شولتز (۱۳۹۲) با عنوان *روح مکان: بسوی پدیدارشناسی معماری*، اساس حس تعلق انسان، تعیین هویت آمده است. نتایج پژوهش‌های وی، «سکونت گزیدن» را با مفهوم تعلق داشتن به یک مکان محسوس پیوند می‌دهد (شولتز، ۱۳۹۲).

بونایتو و همکاران (۱۹۹۹) در پژوهشی با عنوان *ادراک چندبعدی از کیفیت محیط مسکونی و دل‌بستگی محله در محیط شهری*، به معرفی تعلق مکانی به‌عنوان وابستگی عاطفی به مکانی خاص می‌پردازند، نتایج حاصل از پژوهش‌های ایشان به تعلق مکانی به‌عنوان تبدیل فرد به بخشی از هویت مکان تأکید دارد (Bonaiuto et al., 1999).

در پژوهش اسکنل و گیفورد (۲۰۱۰) با عنوان *تعریف دل‌بستگی مکان: چارچوب سازمان‌دهی سه‌جانبه نیز به تعلق مکانی پرداخته شده است*. نتایج این پژوهش تعلق مکانی را دارای سه بعد فرد، فرایند، و مکان معرفی می‌کند که به صورت پیوندهای عاطفی در این ابعاد ظاهر می‌شود (Scannell & Gifford, 2010).

در سال‌های اخیر پژوهش‌های داخلی بسیاری نیز در زمینه حس تعلق انسان به مکان صورت پذیرفته است. پژوهش‌های سرمست و متوسلی (۱۳۸۹)، جوان فروزنده و مطلبی (۱۳۹۰)، دویران و کریمی‌نژاد (۱۳۹۱)، فاضلیان و قاسمی (۱۳۹۲)، ملکی و همکاران (۱۳۹۳)، نادری و همکاران (۱۳۹۳)، بهرام‌پور و مدیری (۱۳۹۴)، صفرنژاد و همکاران (۱۳۹۵)، روشنی و همکاران (۱۳۹۷)، کاملی و عظمتی (۱۴۰۰)، عنابستانی و فعال جلالی (۱۴۰۰)، طهماسبی‌زاده و سلیمانی (۱۴۰۰)، میرزاحسین و همکاران (۱۴۰۱)، دهقان (۱۴۰۱)، و عظیمی مهرورز (۱۴۰۲) از این دسته‌اند.

در نهایت از پژوهش‌های مرتبط با تأثیرات بوستان‌ها، فضاهای سبز، و باغ‌ها بر انسان می‌توان به پژوهش سیاوش‌پور و همکاران (۱۳۹۵) با عنوان *نقش فضای سبز محیط‌های آموزشی کودکان در تقویت حس تعلق به مکان (بررسی موردی: مدارس ابتدایی ناحیه دو، شهر شیراز)* اشاره کرد. نتایج این پژوهش ضمن تأکید بر اثر فضای سبز محیط‌های آموزشی کودکان بر تقویت حس تعلق ایشان، به

کتاب آلتن (۱۳۸۲) با عنوان *محیط و رفتار اجتماعی، خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام*، به مؤلفه‌های تأثیرگذار فضا بر انسان اختصاص دارد. نتایج پژوهش‌های وی امنیت، پویایی فضایی، تعامل اجتماعی، خلوت، فضای شخصی، و قلمرو را به‌عنوان مؤلفه‌های تأثیرگذار فضا بر انسان معرفی می‌کند (آلتن، ۱۳۸۲).

الکساندر (۱۹۷۹) در کتاب *راه بی‌زمان ساختن*، نیز در همین باب سخن گفته است. تأکید بر تعاملات اجتماعی، هویت، مقیاس انسانی، دسترسی، پویایی، و عدالت اجتماعی در فضا از دستاوردهای این کتاب است (Alexander, 1979).

در کتاب کارمونا (۱۳۸۸) با عنوان *مکان‌های عمومی، فضاهای شهری، ابعاد گوناگون طراحی شهری، نظریات این اندیشمند در این خصوص آمده است*. نتایج این کتاب بر رابطه کلیدی و تعیین‌کننده بین جامعه و محیط در طراحی شهری و محیط فیزیکی بر رفتار انسانی تأکید دارد (کارمونا و همکاران، ۱۳۸۸).

لینچ (۱۹۸۱) در کتاب *تئوری شکل خوب شهر* به اهمیت تصورات ذهنی انسان در شکل‌گیری مکان به پژوهش پرداخته است (Lynch, 1981)، براساس نتایج این کتاب، معنی‌دار بودن و توانایی ادراک مکان، یک جزء اساسی رضایت عاطفی و دل‌بستگی به مکان است (لینچ، ۱۳۷۶).

دیر و والش (۱۹۸۹) در کتاب *قلمرو چگونه زندگی اجتماعی را شکل می‌دهد؟* آورده‌اند که روابط اجتماعی انسان‌ها می‌توانند در فضا شکل بگیرند و همچنین توسط شکل فضا مورد تحدید قرار می‌گیرد. نتایج پژوهش ایشان نشان داده است که فضا واسطه انجام و برقراری ارتباط بین انسان‌ها می‌گردد. ایشان همچنین اذعان می‌دارند که با شکل‌گیری محیط مصنوع، طراحان شهر بر الگوهای عملکردی و زندگی انسان اثر می‌گذارند (کارمونا و همکاران، ۱۳۸۸).

کتاب گل (۱۳۸۷) با عنوان *زندگی در فضای میان ساختمان‌ها* به نحوه تأثیر طراحی بر رفتار اجتماعی انسان اختصاص دارد. نتایج این کتاب فعالیت‌هایی چون گفتگو و تعامل با دیگران، امکان دیدار دیگران و شنیده شدن، امکان گردهم آمدن اعضای جامعه، برخوردهای غیرارادی را متأثر از حضور مردم در یک مکان و در یک زمان می‌داند که می‌توان برای وقوع آن فعالیت شرایط محیطی بهتری را به وجود آورد (گل، ۱۳۸۷).

ون پل (۱۹۹۷) پژوهش با عنوان *کیفیت درک شده از محیط مسکونی شهری* دارد. نتایج این پژوهش به نسبت ارزش ذهنی محیط شهری و با ارزیابی‌های انسان از ویژگی‌ها و مؤلفه‌های سازنده آن تأکید دارد (Van Poll, 1997).

شماری از نظریات و پژوهش‌ها نیز به صورت خاص به تأثیر محیط بر حس تعلق انسان و پیوند عاطفی بین انسان و محیط نظر داشتند. رلف (۱۹۷۶) در همین زمینه کتابی با عنوان *مکان و بی‌مکان*

به پالایش این عوامل و گزینش عوامل با اهمیت‌تر در ارتقای حس تعلق افراد به محله در دوران بیماری کووید-۱۹ پردازد.

لذا در مرحله نخست از روش تحلیل محتوا استفاده شد. بدین ترتیب که نخست جستجویی در پایگاه‌های اطلاعاتی مختلف داخلی شامل پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی^۱، بانک اطلاعات نشریات کشور^۲، و پایگاه مجلات تخصصی نور^۳ و پایگاه‌های اطلاعاتی خارجی شامل الزویر^۴ و ساینس دایرکت^۵ و در عنوان، چکیده، و کلیدواژه‌های منابع مرتبط شامل کتب، مقالات، و پایان‌نامه‌ها صورت پذیرفت. در این جستجو کلمات حس دل‌بستگی و تعلق^۶، تعلق مکانی^۷، و حس مکان^۸ و معادل آن در زبان انگلیسی مدنظر بوده است.

پس از بررسی اولیه، در نهایت ۱۹۴ منبع مرتبط با موضوع شناسایی گردید. پس از بررسی این منابع، به اصطلاح روش تحلیل محتوا، کلیدواژه و یا کدهای مرتبط استخراج گردید. این کدها شامل ۷۲ گویه مؤثر بر ارتقای حس تعلق افراد در مکان بوده است. در مرحله دوم به روش دلفی استناد شد. در این روش جمع‌آوری داده‌ها توسط مراجعه به تعداد محدودی از پاسخ‌دهندگان دارای دامنه مشخصی در یک تخصص ویژه صورت می‌پذیرد (علایی و همکاران، ۱۳۹۹). بدین ترتیب که این ۷۲ گویه در اختیار ۱۰ نفر از متخصصان حوزه معماری و شهرسازی با درجه دکتری و کارشناسی ارشد و صاحب‌نظر در زمینه مطالعاتی این پژوهش قرار داده شد. پس از اطلاع کامل ایشان از این پژوهش و اهداف آن، نگاه و نظر ایشان در خصوص مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ارتقای حس تعلق افراد به محله در بوستان‌ها در دوران بیماری‌های فراگیر مورد پرسش قرار گرفت تا گویه‌های پراهمیت‌تر در دوران بیماری‌های فراگیر از منظر این صاحب‌نظران شناسایی گردد. همچنین از ایشان خواسته شد که در صورت نیاز کلیدواژه یا کدهای دیگری نیز اضافه نمایند. در همین راستا برخی از کلیدواژه‌های مربوط بخصوص در بخش کالبدی و گویه‌هایی چون امکانات رفاهی، بهداشتی، و توجه به ابعاد و مقیاس بوستان در جهت توجه به کنترل و عدم تکثیر عفونت در دوران همه‌گیری بیماری و حاصل توجه ویژه متخصصین مربوطه به افزایش حس تعلق افراد به محله در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ بوده است. علاوه بر آن به پالایش و نظم‌دهی کلیدواژه‌ها یا گویه‌ها پرداخته شد. در این پالایش نیز به روش دلفی استناد شد و با مراجعه به این متخصصان و صاحب‌نظران و با موافقت

رابطه معنادار بین مشارکت در خلق فضای سبز، ارتباط آموزش محور با فضای سبز، و ارتباط حسی با آن، با افزایش حس تعلق و خودی بودن با مکان پی برده است (سیاوش‌پور و همکاران، ۱۳۹۵).

حمید و بابامیری (۲۰۱۲) در پژوهش بررسی رابطه فضای سبز و سلامت روان، نظریه بهبود استرس الریخ را مطرح کرده‌اند. نتایج پژوهش ایشان نشان داده است که کاهش استرس از واکنش‌های عاطفی و زیبایی‌شناختی نسبت به محیط است و مناظر طبیعی پاسخ-های عاطفی مثبت را گسترش داده و استرس را کاهش می‌دهد (Hamid and Babamiri, 2012).

داعی‌پور (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان رابطه حضور طبیعت و افزایش حس تعلق در خانه‌های سنتی ایران، حضور طبیعت را در خانه‌های سنتی ایران بررسی کرده‌اند. وی در نتایج پژوهش خود نشان داده است که حضور طبیعت در خانه‌های سنتی ایران موجب افزایش حس تعلق انسان به این خانه‌ها می‌شود (داعی‌پور، ۱۳۹۳).

علی‌عباس‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود با عنوان مشارکت بیماران روحی در فرایند طراحی باغ‌های شفابخش به‌منظور بالابردن پایداری اجتماعی در مراکز درمانی، به پایداری اجتماعی این فضاها پرداختند. نتایج پژوهش ایشان بر مشارکت بیماران روحی در فرایند طراحی باغ‌های شفابخش به‌منظور بالابردن پایداری اجتماعی در مراکز درمانی تأکید دارد (علی‌عباس‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱).

با توجه به آنچه بیان شد در بررسی پیشینه مربوط به این پژوهش دریافت شد که عمده پژوهش‌های انجام شده در زمینه موضوع به رابطه تعاملی بین کیفیات محیط زندگی و انسان و یا به حس تعلق انسان به مکانی مشخص پرداختند. با توجه به شیوع و همه‌گیری کووید-۱۹ در سال‌های اخیر، تاکنون پژوهش‌های کمتری در خصوص بررسی تأثیر مکان‌های مختلف بر انسان و ارتقای حس تعلق وی به مکان‌ها در دوران شیوع این بیماری انجام پذیرفته است. لذا این پژوهش در نظر داشته است که به بررسی مؤلفه‌های مؤثر بوستان‌ها در ارتقای حس تعلق افراد به محله در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ پردازد.

روش انجام پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف از نوع کاربردی و از لحاظ روش تجزیه و تحلیل اطلاعات از نوع آمیخته اکتشافی یا کیفی و کمی بوده است. با توجه به انجام این پژوهش در دوران بیماری همه‌گیر کووید-۱۹، و همچنین شمار اندک پژوهش‌های مرتبط با تقویت و تداوم حس تعلق افراد به مکان‌های مختلف در این دوران، تلاش این پژوهش بر آن بود که در مرحله نخست با استناد به روش تحلیل محتوا تمامی عوامل مؤثر بر ارتقای حس تعلق افراد به محله را در هر دو مؤلفه کالبدی و غیرکالبدی شناسایی کند تا در مرحله دوم بتواند با استناد به روش دلفی،

1. SID
2. Magiran
3. Noormags
4. Elsevier
5. Science Direct
6. Sense of belonging
7. Place attachment
8. Sense of Place

این مؤلفه‌ها به‌منظور ارزیابی مؤلفه‌ها و گویه‌های مؤثر بوستان‌ها در ارتقای حس تعلق افراد به محله در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ به قرار جدول ۱ ارائه گردید. این گویه‌ها در ادامه به‌عنوان متغیرهای شکل‌دهنده پرسش‌های پرسش‌نامه در نظر گرفته شد.

ایشان برخی کلیدواژه‌ها یا گویه‌های مشابه حذف گردید یا با یکدیگر تجمیع و با عنوانی متفاوت طرح شد.

در نهایت با اجماع نظر متخصصان، در این پژوهش ۲۵ گویه منتخب، در ذیل دو مؤلفه کالبدی و غیرکالبدی و ابعاد مورد مطالعه در

جدول ۱. مؤلفه‌ها و گویه‌های مؤثر بوستان‌ها در ارتقای حس تعلق افراد به محله

مؤلفه	بعد	گویه	توضیحات
کالبدی		مبلمان بوستان	آبنما، کف سازی، و نشیمن‌گاه‌ها از منظر کمیت و کیفیت، رنگ، جنس، راحتی، دوام، زیبایی، امکان خلوت‌گزینی، ساماندهی و چیدمان
		تأمین امکانات رفاهی-بهداشتی استفاده‌کنندگان	نظم خدمات نگهداری، بهداشت و پاکیزگی فضای بوستان در دوران بیماری، تأمین امکانات رفاهی-بهداشتی چون سرویس بهداشتی، آب شرب، سطل زباله، تأمین امکانات تفریحی-ورزشی چون میز شطرنج و پینگ‌پنگ و زمین‌های بازی
		بازی‌پذیری بوستان	وجود فضای بازی کودک، رویت‌پذیری فضاهای بازی، و امنیت آن
		کیفیت پوشش گیاهی و فضاهای طبیعی	
		وجود عناصر نشانه‌ای و نمادهای تاریخی، فرهنگی، و ارزشی	
		مشترک در بوستان	
		ابعاد و مقیاس بوستان	جهت کنترل تراکم جمعیت در بوستان و تکثیر حداقلی بیماری و تأمین سرانه مطلوب در دوران بیماری به‌منظور حضور افراد در بوستان
		نورپردازی بوستان	
		کیفیت دسترسی‌ها	کیفیت دسترسی پیاده، عدم تداخل حرکت سواره و پیاده، حجم ترافیک، و استقرار بوستان در مرکز محله
		تنوع و کیفیت همسایگی‌ها و عملکردهای اطراف	وجود کاربری‌های جاذب جمعیت، تنوع فعالیت‌های فراغتی، فرهنگی، تفریحی در اطراف بوستان و عدم اختلاط کاربری‌های ناسازگار همانند کاربری‌های دارای آلودگی صوتی
فردی		وضوح و خوانایی فضای بوستان	قابل شناسایی و درک بودن فضا
		حفظ حریم، محصوریت و ایجاد قلمرو	
		مطلوبیت زیبایی‌شناختی و آرامش بصری	کیفیت طراحی فرم بوستان شامل پیاده‌راه‌ها و فضاهای احتمالی موجود، کیفیت طراحی منظرها، و سازگاری سیمای بوستان با مشخصات فرهنگی آئینی
		فاصله بوستان تا محل سکونت	
		تداعی خاطرات شخصی	
		کیفیت ایجاد تصویر ذهنی	از طریق صداها، رایحه‌ها، نمادها، مناظر و دیدها و ...
		حس سرزندگی و تحرک	
		امکان گفتگو و تعامل	
		حس امنیت	فقدان جرم شامل سرقت، مزاحمت برای زنان، کودکان، و خانواده، مصرف مواد مخدر، و کاهش نیاز به نظارت مسئولین انتظامی برای برقراری امنیت
		حس صمیمیت و خودمانی بودن	
اجتماعی فرهنگی		هم‌بستگی	اشتراکات فرهنگی و هنجاری استفاده‌کنندگان
		بوم‌مداری و محله‌محوری	
		امکان کنترل و نظارت اجتماعی	
		ایجاد و ارتقای پیوندهای اجتماعی	ایجاد فرصت شناخت و صمیمیت اهالی محل
		فعال بودن در ساعات بسیاری از شبانه‌روز	
غیر کالبدی		مشارکت‌پذیری بوستان	امکان گردهمایی به‌منظور آموزش و آگاهی عمومی نسبت به بیماری، برگزاری جشن‌های ملی - مذهبی، برگزاری رویدادهای خاص، و آئین‌های جمعی.

و تأثیر احتمالی هر یک بر مؤلفه‌ها و گویه‌ها مطالعه و بررسی گردید.

محدوده‌های مورد مطالعه

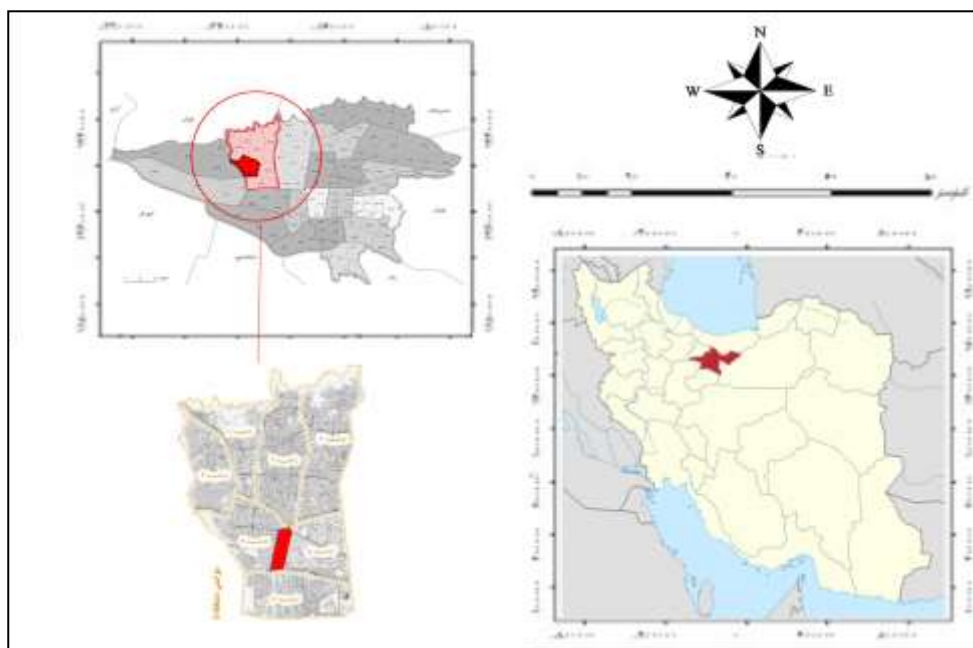
نمونه مورد مطالعه در محله فردوس غرب (ناصر حجازی) از منطقه ۵ و ناحیه ۴ شهر تهران انتخاب شد. این محله از شمال به بزرگراه علامه جعفری (حکیم) و سازمان برنامه شمالی، از جنوب به بزرگراه شهید فهمیده (شیخ فضل‌الله) و شهرک اکباتان، از شرق به بزرگراه ستاری و بلوار فردوس شرق، و از غرب به بلوار شقایق و محله سازمان برنامه جنوبی در همین ناحیه محدود گردیده است. محله فردوس غرب به‌طور کلی محله‌ای مسکونی است و سایر کاربری‌ها متناسب با خدمات‌رسانی به اهالی محله شکل گرفتند. علاوه بر این وجود سه بوستان در این محله به فاصله حدودی ۵۰۰ متر زمینه را برای بررسی مؤلفه‌ها و گویه‌های مؤثر بوستان‌ها در ارتقای تعلق ساکنین و در جهت تعلق به محله مساعدتر ساخت. پس از انتخاب محله مزبور سه بوستان موجود در این محله یعنی بوستان گلدشت، فردوس، و پرواز به‌عنوان نمونه به‌منظور مطالعه و تحلیل انتخاب گردید. بوستان فردوس در ضلع جنوبی خیابان ورزی شمالی، بوستان گلدشت در مرکز آن، و بوستان پرواز در ضلع شمالی آن واقع است. شکل ۲ موقعیت جغرافیایی محله مورد مطالعه را در ناحیه ۴ از منطقه ۵ شهر تهران، و همچنین منطقه ۵ و ناحیه ۴ را در شهر تهران و کشور نشان می‌دهد و شکل ۳ مربوط به بوستان‌های مورد مطالعه می‌باشد.

پس از شناسایی و استخراج مؤلفه‌های مورد مطالعه و ۲۵ گویه مربوط به این دو مؤلفه، برای مطالعه و بررسی تأثیر هر یک از گویه‌های مورد مطالعه در بوستان بر ارتقای حس تعلق به محله، با روش پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه "محقق‌ساخته" اقدام شد.

قابل ذکر است که نظر متخصصان و صاحب‌نظران در خصوص روایی محتوایی پرسشنامه این پژوهش مثبت بوده است. برای تشخیص پایایی و اعتبار پرسش‌نامه‌ها نیز ضریب آلفا کرونباخ محاسبه شد. این ضریب برابر با ۰/۷۲۳ بوده است که می‌توان از آن نتیجه گرفت که این پرسش‌نامه‌ها از پایایی تحقیقی لازم برخوردار بودند.

با توجه به انجام این پژوهش در زمان بیماری کووید-۱۹، روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر، احتمالی در دسترس بوده است که در این روش افرادی مورد مطالعه قرار گرفتند که در زمان مطالعه در بوستان‌های مورد مطالعه در دسترس بودند. جامعه آماری این پژوهش کلیه افراد بالای ۱۸ سال سن در محدوده مورد مطالعه بوده است و حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران و سهم اطمینان ۹۵ درصد و برابر با ۳۰۰ نفر تعیین گردید. از این تعداد، ۱۰۰ پرسش‌نامه بین مراجعه‌کنندگان به بوستان گلدشت، ۱۰۰ پرسش‌نامه بین مراجعه‌کنندگان به بوستان فردوس، و ۱۰۰ پرسش‌نامه بین مراجعه‌کنندگان به بوستان پرواز توزیع گردید و نسبت به تکمیل پرسشنامه‌ها اقدام شد. برای اندازه‌گیری پرسش‌ها از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت ۱ از ۵ (خیلی زیاد) تا ۱ (خیلی کم) استفاده گردید. سپس داده‌ها در نرم‌افزار SPSS20 و با روش‌های آماری توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آماره‌های استنباطی (آزمون فریدمن^۲ و آزمون واریانس یک‌طرفه^۳، و آزمون تی مستقل^۴) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از طرفی از آنجایی که در منابع مرتبط با موضوع حس تعلق مردم با معیارهایی چون مدت‌زمان سکونت، سن، میزان تعامل، مشارکت، و حضور در مکان در ارتباط بوده است (Giuliani & Feldman, 1993; Altman & Low, 1992, 87-90)؛ علاوه بر پرسش از گویه‌های موردنظر در هر یک از مؤلفه‌های کالبدی و غیرکالبدی، از پرسش‌شوندگان در خصوص سن، مدت‌زمان سکونت در محله، میزان مراجعه به بوستان، و دارا بودن کودک (فرزند زیر ۱۲ سال) پرسش شد

1. 5-Grade Likert
2. Friedman test
3. One-way ANOVA
4. Independent-sample T-Test



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی محله مورد مطالعه در شهر تهران، استان، و کشور



شکل ۳. بوستان‌های مورد مطالعه (از راست: بوستان پرواز، بوستان فردوس، و بوستان گل‌دشت)

مراجعه به بوستان، و دارا بودن کودک به قرار جدول ۲ استخراج گردید.

یافته‌ها

با بررسی پرسشنامه‌های تکمیل شده، نخست طبقه‌بندی پرسش‌شوندگان از نظر سن، مدت‌زمان سکونت در محله، میزان

جدول ۲. طبقه‌بندی پرسش‌شوندگان در ۳۰۰ پرسش‌نامه

شماره	دسته بندی	دسته بندی و تعداد داده‌ها در ۳۰۰ پرسش‌نامه		
۱	سن	۱۸-۳۵ سال	۳۶-۵۵ سال	بیشتر از ۵۵ سال
		۱۰۲	۱۱۱	۸۷
۲	مدت‌زمان سکونت	زیر ۵ سال	۵-۱۵ سال	بالای ۱۵ سال
		۱۱۰	۱۱۳	۷۷
۳	میزان مراجعه به بوستان	هر روز	هفته ای یک یا دو بار	ماهی یک یا دو بار
		۳۸	۱۰۸	۸۱
				گاه و بی‌گاه و تقنی
				۷۳
۴	دارا بودن کودک	دارد	ندارد	
		۹۰	۲۱۰	

غیرپارامتری برای تجزیه و تحلیل واریانس دو طرفه از طریق رتبه‌بندی و برای مقایسه میانگین رتبه‌بندی گروه‌های مختلف به کار می‌رود (کاظم‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۰).

در ادامه به‌منظور شناسایی ترتیب اهمیت هریک از گویه‌ها و مؤلفه‌ها از منظر پرسش‌شوندگان در ارتقای حس تعلق به محله در بوستان‌های مورد مطالعه در دوران بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ از آزمون فریدمن استفاده گردید. این آزمون در داده‌های

مطابق با جدول ۳ نتایج آزمون فریدمن نشان داد که سطح معناداری بدست آمده برای آزمون (۰/۰۰) بود که کمتر از سطح خطای پذیرفته شده در این آزمون یعنی (۰/۰۵) بود، و این بدین معنی بوده است که در سطح اطمینان ۹۵٪ میزان اهمیت داده‌ها از منظر پرسش‌شوندگان متفاوت بوده است.

جدول ۳. نتایج آزمون فریدمن

تعداد	۳۰۰
آماره خی دو	۱/۷۶
درجه آزادی	۲۴
سطح معناداری آزمون	۰/۰۰۰

بوستان، امکان کنترل و نظارت اجتماعی، مطلوبیت زیبایی‌شناختی و آرامش بصری، مشارکت‌پذیری بوستان، و حفظ حریم، محصوریت و ایجاد قلمرو پس از اولویت اول به ترتیب دارای بیشترین تأثیر در ارتقای حس تعلق افراد به محله در بوستان‌های مورد مطالعه در دوران بیماری بودند و ۱۰ اولویت برتر پرسش‌شوندگان را شامل گردید. در بین این ده اولویت، ۷ مورد مربوط به مؤلفه کالبدی و ۳ مورد مربوط به بعد اجتماعی-فرهنگی مؤلفه غیرکالبدی بوده است. همچنین ابعاد فردی مؤلفه غیرکالبدی در اولویت ۱۱، ۱۵، و ۲۱ پرسش‌شوندگان مشهود است.

جدول ۴ اولویت‌بندی گویه‌ها را با استفاده از آزمون فریدمن نشان می‌دهد. مطابق با این جدول «حس امنیت» ذیل بعد اجتماعی-فرهنگی مؤلفه غیرکالبدی در بوستان از دیدگاه پرسش‌شوندگان بیشترین تأثیر و «وجود عناصر نشانه‌ای و نمادهای تاریخی، فرهنگی، و ارزشی مشترک در بوستان» ذیل مؤلفه کالبدی، کم‌ترین تأثیر را در ارتقای حس تعلق افراد به محله در بوستان‌های مورد مطالعه در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ داشت. همچنین فاصله بوستان تا محل سکونت، کیفیت پوشش گیاهی و فضاهای طبیعی، تأمین امکانات رفاهی-بهداشتی استفاده‌کنندگان، کیفیت دسترسی‌ها، ابعاد و مقیاس

جدول ۴. اولویت‌بندی گویه‌ها

اولویت	گویه	بعد	مؤلفه	میانگین رتبه
۱	حس امنیت	اجتماعی-فرهنگی	غیرکالبدی	۱۸/۱۴
۲	فاصله بوستان تا محل سکونت	-	کالبدی	۱۷/۸۴
۳	کیفیت پوشش گیاهی و فضاهای طبیعی	-	کالبدی	۱۷/۸۲
۴	تأمین امکانات رفاهی-بهداشتی استفاده‌کنندگان	-	کالبدی	۱۶/۹۴
۵	کیفیت دسترسی‌ها	-	کالبدی	۱۶/۴۳
۶	ابعاد و مقیاس بوستان	-	کالبدی	۱۴/۹۸
۷	امکان کنترل و نظارت اجتماعی	اجتماعی-فرهنگی	غیرکالبدی	۱۴/۹۲
۸	مطلوبیت زیبایی‌شناختی و آرامش بصری	-	کالبدی	۱۴/۸۸
۹	مشارکت‌پذیری بوستان	اجتماعی-فرهنگی	غیرکالبدی	۱۴/۵۵
۱۰	حفظ حریم، محصوریت و ایجاد قلمرو	-	کالبدی	۱۴/۴۹
۱۱	حس سرزندگی و تحرک	فردی	غیرکالبدی	۱۴/۰۲
۱۲	امکان گفتگو و تعامل	اجتماعی-فرهنگی	غیرکالبدی	۱۳/۸۹
۱۳	ایجاد و ارتقای پیوندهای اجتماعی	اجتماعی-فرهنگی	غیرکالبدی	۱۳/۴۵
۱۴	حس صمیمیت و خودمانی بودن	اجتماعی-فرهنگی	غیرکالبدی	۱۳/۱۲
۱۵	تداعی خاطرات شخصی	فردی	غیرکالبدی	۱۲/۸۷
۱۶	تنوع و کیفیت همسایگی‌ها و عملکردهای اطراف	-	کالبدی	۱۲/۸۲
۱۷	مبلمان بوستان	-	کالبدی	۱۲/۷۴
۱۸	هم‌سختی	اجتماعی-فرهنگی	غیرکالبدی	۱۱/۲۴
۱۹	بوم‌مداری و محله‌محوری	اجتماعی-فرهنگی	غیرکالبدی	۱۰/۳۳
۲۰	بازی‌پذیری بوستان	-	کالبدی	۹/۹۰
۲۱	کیفیت ایجاد تصویر ذهنی	فردی	غیرکالبدی	۹/۷۵
۲۲	وضوح و خوانایی فضای بوستان	-	کالبدی	۸/۵۶
۲۳	فعال بودن در ساعات بسیاری از شبانه‌روز	اجتماعی-فرهنگی	غیرکالبدی	۷/۶۳
۲۴	نورپردازی بوستان	-	کالبدی	۷/۰۳
۲۵	وجود عناصر نشانه‌ای و نمادهای تاریخی، فرهنگی، و ارزشی مشترک در بوستان	-	کالبدی	۶/۶۵

پرسش‌شوندگان مؤلفه‌های کالبدی تأثیر بیشتری بر ارتقای حس تعلق ایشان به محله داشت. در مؤلفه غیرکالبدی میانگین گویه‌های مربوط به بعد فردی ۳/۸۶ و بعد اجتماعی-فرهنگی ۳/۹۴ بوده است، بدین معنی که تأثیر بعد اجتماعی-فرهنگی مؤلفه غیرکالبدی نسبت به بعد فردی آن بر پرسش‌شوندگان بیشتر بوده است.

در جدول ۵ همچنین میانگین و انحراف معیار کلی گویه‌های مورد مطالعه از طریق استخراج آمار توصیفی آن‌ها در ذیل آزمون فریدمن آمد. با توجه به اینکه پرسش‌ها در طیف پنج درجه‌ای لیکرت تنظیم شد، میزان متوسط برای گویه‌ها عدد ۳ در نظر گرفته شد. مطابق با این جدول تمامی گویه‌ها دارای میانگینی بیشتر از حد متوسط بودند. همچنین میانگین کلی گویه‌های مؤلفه کالبدی ۳/۹۵ و مؤلفه غیرکالبدی ۳/۹۰ بود. بدین ترتیب از منظر

جدول ۵. آمار توصیفی گویه‌ها (میانگین و انحراف معیار)

مؤلفه	بعد	گویه	میانگین گویه	انحراف معیار	میانگین بعد	میانگین مؤلفه	
کالبدی	-	مبلان بوستان	۳/۹۳	۰/۷۱	۳/۹۵		
		تأمین امکانات رفاهی-بهداشتی استفاده‌کنندگان	۴/۴۳	۰/۵۷			
		بازی‌پذیری بوستان	۳/۵۱	۱/۱۳			
		کیفیت پوشش گیاهی و فضاهای طبیعی	۴/۵۴	۰/۵۳			
		وجود عناصر نشانه‌ای و نمادهای تاریخی، فرهنگی، و ارزشی مشترک در بوستان	۳/۱۳	۰/۷۲			
		ابعاد و مقیاس بوستان	۴/۲۳	۰/۶۹			
		نورپردازی بوستان	۳/۰۹	۰/۹۷			
		کیفیت دسترسی‌ها	۴/۳۸	۰/۶۶			
		تنوع و کیفیت همسایگی‌ها و عملکردهای اطراف	۳/۹۴	۰/۷۲			
		وضوح و خوانایی فضای بوستان	۴/۳۴	۰/۹۲			
		حفظ حریم، محصوریت و ایجاد قلمرو	۴/۱۶	۰/۶۰			
		مطلوبیت زیبایی‌شناختی و آرامش بصری	۴/۱۹	۰/۸۱			
		فاصله بوستان تا محل سکونت	۴/۵۳	۰/۶۷			
		غیر کالبدی	فردی	تداعی خاطرات شخصی			۳/۹۵
کیفیت ایجاد تصویر ذهنی	۳/۵۴			۰/۷۶			
حس سرزندگی و تحرک	۴/۱۰			۰/۷۸			
امکان گفتگو و تعامل	۴/۰۷			۰/۷۶			
اجتماعی-فرهنگی	حس امنیت		۴/۵۹	۰/۵۲	۳/۹۴		
	حس صمیمیت و خودمانی بودن		۳/۹۶	۰/۸۲			
	هم‌سنجی		۳/۷۰	۰/۹۲			
	بوم‌مداری و محله‌محوری		۳/۶۰	۰/۹۷			
	امکان کنترل و نظارت اجتماعی		۴/۲۱	۰/۶۵			
	ایجاد و ارتقای پیوندهای اجتماعی		۴/۰۰	۰/۸۲			
	فعال بودن در ساعات بسیاری از شبانه‌روز		۳/۲۲	۰/۸۸			
	مشارکت‌پذیری بوستان		۴/۱۶	۰/۶۸			

معنادر را نشان می‌دهد. سپس میانگین گویه‌های شناسایی شده به قرار جدول ۷ استخراج و بررسی شد. تفاوت معنادر بین مجموع مربعات درون‌گروهی و بین‌گروهی موجود در گویه‌های معرفی شده در جدول ۶ نشان از تفاوت معنادر موجود بین میانگین این گویه‌ها بین گروه‌های مختلف سنی مورد مطالعه دارد. مطابق با این جدول بیشترین تفاوت پاسخ‌های پرسش‌شوندگان دارای گروه‌های سنی مختلف به ترتیب مربوط به وضوح و خوانایی بوستان ($f=۶۴/۴۵$)، نورپردازی بوستان ($f=۴۷/۶۴$)، امکان کنترل و نظارت اجتماعی ($f=۳۷/۶۱$) حس صمیمیت و خودمانی بودن ($f=۳۷/۰۱$)، امکان گفتگو و تعامل ($f=۳۳/۰۷$) بوده است.

در ادامه برای مقایسه میانگین گویه‌ها بر اساس سن، میزان مراجعه به بوستان، و مدت‌زمان سکونت در محله، از آزمون واریانس یک‌طرفه استفاده شد. این آزمون در حقیقت میانگین‌های بیش از دو گروه آماری جامعه را با هدف یافتن تفاوت‌های معنادر بین آن‌ها مقایسه می‌کند. نتایج حاصل از آزمون واریانس یک‌طرفه بین سن پرسش‌شوندگان و گویه‌های مورد مطالعه نشان داد که در اکثر گویه‌ها تفاوت معناداری بین مقادیر میانگین از منظر ۳ گروه سنی مورد مطالعه، وجود داشته است. این گویه‌ها نخست با سطح معناداری کمتر از سطح خطای پذیرفته شده در این آزمون یعنی ۰/۰۵ شناسایی گردید. جدول ۶ برخی از گویه‌های دارای بیشترین تفاوت

جدول ۶. نتایج آزمون واریانس یک‌طرفه بین سن پرسش‌شوندگان و برخی گویه‌های دارای بیشترین تفاوت معنادار

مؤلفه	بعد	گویه	مجموع مربعات (Sum of Squares)	df	f	Sig.
کالبدی	میلان بوستان	بین گروهی	۱۱/۱۷	۲		
		درون گروهی	۱۴۱/۸۰	۲۹۷	۱۱/۶۲	۰/۰۰۰
		کل	۱۵۲/۹۲	۲۹۹		
		بین گروهی	۹/۸۲	۲		
		درون گروهی	۱۳۶/۳۴	۲۹۷	۱۰/۷۳۰	۰/۰۰۰
		کل	۱۴۶/۱۹	۲۹۹		
	نورپردازی بوستان	بین گروهی	۶۹/۱۲	۲		
		درون گروهی	۲۱۵/۴۵	۲۹۷	۴۷/۶۴	۰/۰۰۰
		کل	۲۸۴/۵۷	۲۹۹		
	وضوح و خوانایی فضای بوستان	بین گروهی	۷۷/۲۸	۲		
		درون گروهی	۱۷۸/۰۳	۲۹۷	۶۴/۴۵	۰/۰۰۰
		کل	۲۵۵/۳۲	۲۹۹		
فراگیر	مطلوبیت زیبایی‌شناختی و آرامش بصری	بین گروهی	۱۸/۲۱	۲		
		درون گروهی	۱۷۹/۱۸	۲۹۷	۱۵/۰۹	۰/۰۰۰
		کل	۱۹۷/۳۹	۲۹۹		
		بین گروهی	۲۲/۰۵	۲		
		درون گروهی	۱۱۴/۶۱	۲۹۷	۲۸/۵۷	۰/۰۰۰
		کل	۱۳۶/۶۶	۲۹۹		
	تداعی خاطرات شخصی	بین گروهی	۲۲/۱۸	۲		
		درون گروهی	۱۴۶/۲۵	۲۹۷	۲۲/۵۲	۰/۰۰۰
		کل	۱۶۸/۴۳	۲۹۹		
	امکان گفتگو و تعامل	بین گروهی	۳۱/۶۰	۲		
		درون گروهی	۱۴۱/۹۲	۲۹۷	۲۳/۰۷	۰/۰۰۰
		کل	۱۷۳/۵۳	۲۹۹		
اجتماعی-فرهنگی	حس صمیمیت و خودمانی بودن	بین گروهی	۴۰/۶۳	۲		
		درون گروهی	۱۶۳/۰۳	۲۹۷	۳۷/۰۱	۰/۰۰۰
		کل	۲۰۳/۶۶	۲۹۹		
	هم‌سنجی	بین گروهی	۳۸/۲۸	۲		
		درون گروهی	۲۱۷/۹۰	۲۹۷	۲۶/۰۹	۰/۰۰۰
		کل	۲۵۶/۱۸	۲۹۹		
	بوم‌مداری و محله‌محوری	بین گروهی	۲۹/۰۰	۲		
		درون گروهی	۲۵۶/۷۹	۲۹۷	۱۶/۷۷	۰/۰۰۰
		کل	۲۸۵/۷۹	۲۹۹		
	امکان کنترل و نظارت اجتماعی	بین گروهی	۲۵/۵۳	۲		
		درون گروهی	۱۰۰/۸۱	۲۹۷	۳۷/۶۱	۰/۰۰۰
		کل	۱۲۶/۲۴	۲۹۹		
	ایجاد و ارتقای پیوندهای اجتماعی	بین گروهی	۲۷/۱۵	۲		
		درون گروهی	۱۷۴/۸۳	۲۹۷	۲۳/۰۶	۰/۰۰۰
		کل	۲۰۱/۹۸	۲۹۹		

خوانایی بوستان در ارتقای حس تعلق به محله برای گروه سنی بالای ۵۵ سال نسبت به سایر گروه‌های سنی قابل دریافت است. به همین ترتیب تفاوت معنادار موجود بین سایر گویه‌های شناسایی شده در جدول ۶ نیز با رجوع به جدول ۷ و بررسی میانگین گویه‌ها قابل بررسی است.

نتایج حاصل از بررسی میانگین این گویه‌ها در جدول ۷ نشان داده است که به‌عنوان مثال در گویه وضوح و خوانایی بوستان، بیشترین تفاوت بین آرا پرسش‌شوندگان در خصوص نقش وضوح و خوانایی بوستان در ایجاد حس تعلق به آن مربوط به گروه سنی بالای ۵۵ سال با میانگین ۴/۱۲ و گروه سنی ۱۸-۳۵ سال با میانگین ۲/۹۳ بوده است. بدین ترتیب میزان اهمیت وضوح و

جدول ۷. نتایج بررسی میانگین گویه‌های شناسایی شده از منظر سن پرسش‌شوندگان

مؤلفه	سن	گویه	سن			
			۱۸-۳۵ سال		۳۶-۵۵ سال	
			میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
کابندی	کابندی	مبلان بوستان	۳/۷۳	۰/۷۹	۳/۹۰	۰/۶۴
		ابعاد و مقیاس بوستان	۴/۱۷	۰/۸۳	۴/۴۵	۰/۵۱
		نورپردازی بوستان	۳/۰۳	۰/۷۶	۲/۵۹	۱/۰۳
		وضوح و خوانایی فضای بوستان	۲/۹۳	۰/۸۴	۳/۰۹	۰/۸۰
		مطلوبیت زیبایی‌شناختی و آرامش بصری	۳/۸۹	۰/۹۰	۴/۴۷	۰/۷۴
		فاصله بوستان تا محل سکونت	۴/۱۵	۰/۹۰	۴/۷۰	۰/۷۴
غیر کابندی	غیر کابندی	تداعی خاطرات شخصی	۳/۷۴	۰/۸۶	۳/۸۱	۰/۶۰
		امکان گفتگو و تعامل	۴/۱۱	۰/۷۰	۳/۶۹	۰/۶۷
		حس صمیمیت و خودمانی بودن	۴/۲۵	۰/۷۲	۳/۴۸	۰/۸۲
		هم‌سخی	۳/۲۴	۰/۸۱	۴/۰۹	۰/۹۲
		بوم‌مداری و محله‌محوری	۳/۱۸	۱/۰۰	۳/۹۰	۰/۹۱
		امکان کنترل و نظارت اجتماعی	۳/۸۱	۰/۶۲	۴/۴۷	۰/۵۰
		ایجاد و ارتقای پیوندهای اجتماعی	۴/۰۹	۰/۷۳	۳/۶۳	۰/۸۳
					۴/۳۶	۰/۸۰

مربوط به کیفیت دسترسی‌ها ($f=22/59$)، فعال بودن در ساعات بسیاری از شبانه‌روز ($f=20/71$)، ایجاد و ارتقای پیوندهای اجتماعی ($f=20/40$)، بازی‌پذیری بوستان ($f=20/26$)، و کیفیت ایجاد تصویر ذهنی ($f=19/23$) بوده است.

نتایج حاصل از آزمون واریانس یک‌طرفه بین میزان مراجعه به بوستان و گویه‌های مورد مطالعه نیز وجود تفاوت معناداری را بین برخی گویه‌ها نشان داده است. مطابق با جدول ۸ که نتایج این آزمون را در برخی گویه‌های دارای بیشترین تفاوت معنادار نشان می‌دهد بیشترین تفاوت پاسخ‌های پرسش‌شوندگان به ترتیب

جدول ۸. نتایج آزمون واریانس یک‌طرفه بین میزان مراجعه پرسش‌شوندگان به بوستان‌ها و برخی گویه‌های دارای بیشترین تفاوت معنادار

مؤلفه	بعد	گویه	مجموع مربعات (Sum of Squares)			f	Sig.
کابندی	کابندی	بازی‌پذیری بوستان	بین گروهی	۶۵/۰۴	۳	۲۰/۲۶	۰/۰۰۰
			درون گروهی	۳۱۵/۶۴	۲۹۶		
			کل	۳۸۰/۶۸	۲۹۹		
	کابندی	نورپردازی بوستان	بین گروهی	۳۵/۴۷	۳	۱۴/۰۵	۰/۰۰۰
			درون گروهی	۲۴۹/۰۹	۲۹۶		
			کل	۲۸۴/۵۷	۲۹۹		
غیر کابندی	کابندی	کیفیت دسترسی‌ها	بین گروهی	۲۴/۴۴	۳	۲۲/۵۹	۰/۰۰۰
			درون گروهی	۱۰۶/۷۰	۲۹۶		
			کل	۱۳۱/۱۴	۲۹۹		
	فردی	فاصله بوستان تا محل سکونت	بین گروهی	۱۴/۴۶	۳	۱۱/۶۸	۰/۰۰۰
			درون گروهی	۱۲۲/۱۹	۲۹۶		
			کل	۱۳۶/۶۶	۲۹۹		
غیر کابندی	فردی	کیفیت ایجاد تصویر ذهنی	بین گروهی	۲۸/۷۶	۳	۱۹/۲۳	۰/۰۰۰
			درون گروهی	۱۴۷/۵۸	۲۹۶		
			کل	۱۷۶/۳۴	۲۹۹		
غیر کابندی	فردی	حس سرزندگی و تحرک	بین گروهی	۱۹/۲۵	۳	۱۱/۲۹	۰/۰۰۰
			درون گروهی	۱۶۸/۱۳	۲۹۶		
			کل	۱۸۷/۳۸	۲۹۹		

ادامه جدول ۸. نتایج آزمون واریانس یک‌طرفه بین میزان مراجعه پرسش‌شوندگان به بوستان‌ها و برخی گویه‌های دارای بیشترین تفاوت معنادار

مؤلفه	بعد	گویه	مجموع مربعات (Sum of Squares)	df	f	Sig.	مؤلفه
کالبدی	توانایی	امکان گفتگو و تعامل	بین گروهی	۱۸/۳۸	۳	۰/۰۰۰	۱۱/۶۹
			درون گروهی	۱۵۵/۱۴	۲۹۶		
			کل	۱۷۳/۵۳	۲۹۹		
		حس صمیمیت و خودمانی بودن	بین گروهی	۳۴/۱۴	۳	۰/۰۰۰	۱۳/۲۶
			درون گروهی	۱۷۹/۵۲	۲۹۶		
			کل	۲۰۳/۶۶	۲۹۹		
	رفتاری	ایجاد و ارتقای پیوندهای اجتماعی	بین گروهی	۳۴/۶۰	۳	۰/۰۰۰	۲۰/۴۰
			درون گروهی	۱۶۷/۳۷	۲۹۶		
			کل	۲۰۱/۹۸	۲۹۹		
		فعال بودن در ساعات بسیاری از شبانه‌روز	بین گروهی	۴۰/۶۱	۳	۰/۰۰۰	۲۰/۷۱
			درون گروهی	۱۹۳/۴۲	۲۹۶		
			کل	۲۳۴/۰۳	۲۹۹		

متوسط یک یا دوبار در ماه به بوستان مراجعه می‌کنند نسبت به سایر گروه‌ها قابل دریافت است. از دلایل این اهمیت گاه می‌تواند فاصله بیشتر ایشان تا بوستان باشد که لزوم توجه بیشتر به دسترسی‌های آن را توجیه می‌کند. تفاوت معنادار موجود بین سایر گویه‌ها نیز به همین ترتیب قابل بررسی است.

با بررسی میانگین این گویه‌ها در جدول ۹ در می‌یابیم که به‌عنوان مثال در گویه کیفیت دسترسی‌های بوستان، بیشترین تفاوت بین آرا پرسش‌شوندگان بین مراجعه هر روز (۳/۸۹) و مراجعه یک یا دوبار در ماه به بوستان (۴/۶۰) بوده است. بدین ترتیب اهمیت بیشتر کیفیت دسترسی برای افرادی که به‌طور

جدول ۹. نتایج بررسی میانگین گویه‌های شناسایی شده از منظر میزان مراجعه به بوستان‌ها

مؤلفه	بعد	گویه	میزان مراجعه به بوستان				هر روز	میانگین	انحراف معیار	هفته‌ای یک یا دوبار	انحراف معیار	ماهی یک یا دو بار	انحراف معیار	گاه و بی‌گاه و تفنی	انحراف معیار
			میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین
کالبدی	توانایی	مبلمان بوستان	۳/۷۲	۰/۷۶	۳/۸۸	۰/۷۳	۴/۱۷	۰/۶۱	۳/۸۴	۰/۶۷	۳/۸۴	۰/۶۷	۳/۸۴	۰/۶۷	۳/۸۴
		بازی‌پذیری بوستان	۳/۲۱	۰/۹۶	۳/۰۲	۱/۱۶	۳/۸۰	۱/۰۴	۴/۳۹	۰/۷۸	۴/۳۹	۰/۷۸	۴/۳۹	۰/۷۸	۴/۳۹
		نورپردازی بوستان	۲/۵۶	۰/۸۴	۳/۱۴	۱/۰۹	۳/۴۶	۰/۸۶	۲/۹۷	۰/۷۱	۲/۹۷	۰/۷۱	۲/۹۷	۰/۷۱	۲/۹۷
		کیفیت دسترسی‌ها	۳/۸۹	۰/۶۷	۴/۴۹	۰/۶۲	۴/۶۰	۰/۵۲	۴/۵۰	۰/۵۵	۴/۵۰	۰/۵۵	۴/۵۰	۰/۵۵	۴/۵۰
		تنوع و کیفیت همسایگی‌ها و عملکردهای اطراف	۳/۶۴	۰/۸۳	۴/۰۴	۰/۵۹	۴/۰۹	۰/۶۴	۳/۸۹	۰/۷۹	۳/۸۹	۰/۷۹	۳/۸۹	۰/۷۹	۳/۸۹
		وضوح و خوانایی فضای بوستان	۳/۲۳	۰/۷۷	۳/۳۴	۰/۹۵	۳/۶۲	۰/۸۷	۲/۷۶	۰/۹۷	۲/۷۶	۰/۹۷	۲/۷۶	۰/۹۷	۲/۷۶
	رفتاری	فاصله بوستان تا محل سکونت	۴/۱۵	۰/۹۰	۴/۶۸	۰/۴۹	۴/۶۱	۰/۵۷	۴/۷۱	۰/۴۵	۴/۷۱	۰/۴۵	۴/۷۱	۰/۴۵	۴/۷۱
		کیفیت ایجاد تصویر ذهنی	۴/۰۱	۰/۶۹	۳/۲۱	۰/۶۹	۳/۵۹	۰/۷۰	۳/۲۶	۰/۷۵	۳/۲۶	۰/۷۵	۳/۲۶	۰/۷۵	۳/۲۶
		حس سرزندگی و تحرک	۴/۵۳	۰/۶۶	۴/۰۱	۰/۷۴	۳/۹۱	۰/۸۱	۳/۹۲	۰/۷۴	۳/۹۲	۰/۷۴	۳/۹۲	۰/۷۴	۳/۹۲
		امکان گفتگو و تعامل	۴/۵۳	۰/۷۳	۳/۹۵	۰/۸۰	۴/۳۹	۰/۶۱	۴/۰۰	۰/۸۰	۴/۰۰	۰/۸۰	۴/۰۰	۰/۸۰	۴/۰۰
		حس صمیمیت و خودمانی بودن	۴/۰۲	۰/۷۴	۳/۵۴	۰/۹۴	۴/۲۵	۰/۶۹	۴/۰۲	۰/۶۳	۴/۰۲	۰/۶۳	۴/۰۲	۰/۶۳	۴/۰۲
		ایجاد و ارتقای پیوندهای اجتماعی	۳/۸۹	۰/۶۳	۳/۵۵	۰/۹۴	۴/۳۷	۰/۶۴	۴/۲۳	۰/۷۵	۴/۲۳	۰/۷۵	۴/۲۳	۰/۷۵	۴/۲۳
کالبدی	رفتاری	فعال بودن در ساعات بسیاری از شبانه‌روز	۳/۸۳	۰/۶۳	۲/۹۸	۰/۸۹	۳/۱۵	۰/۷۳	۲/۷۶	۰/۶۷	۲/۷۶	۰/۶۷	۲/۷۶	۰/۶۷	۲/۷۶

مربوط به وضوح و خوانایی فضای بوستان ($f=۲۵/۲۹$)، نورپردازی بوستان ($f=۲۲/۳۰$)، مبلمان بوستان ($f=۲۰/۶۲$)، تداعی خاطرات شخصی ($f=۱۸/۱۲$)، و فعال بودن در ساعات بسیاری از شبانه‌روز ($f=۱۶/۵۷$) بوده است.

نتایج آزمون واریانس یک‌طرفه نشان داده است که مدت‌زمان سکونت در محله مورد مطالعه تفاوت معناداری را در پاسخ پرسش‌شوندگان به برخی گویه‌ها ایجاد کرده است. مطابق با جدول ۱۰ بیشترین تفاوت پاسخ‌های پرسش‌شوندگان به ترتیب

جدول ۱۰. نتایج آزمون واریانس یک‌طرفه بین مدت‌زمان سکونت پرسش‌شوندگان در محله و برخی گویه‌های دارای بیشترین تفاوت معنادار

مؤلفه	بعد	گویه	مجموع مربعات (Sum of Squares)	df	f	Sig.
کالبدی	میلان بوستان	بین گروهی	۱۸/۶۵	۲		
		درون گروهی	۱۳۴/۲۶	۲۹۷	۲۰/۶۲	۰/۰۰۰
		کل	۱۵۲/۹۲	۲۹۹		
	نورپردازی بوستان	بین گروهی	۳۷/۱۶	۲	۲۲/۳۰	۰/۰۰۰
		درون گروهی	۲۴۷/۴۰	۲۹۷		
		کل	۲۸۴/۵۷	۲۹۹		
فردی	وضوح و خوانایی فضای بوستان	بین گروهی	۳۷/۱۵	۲	۲۵/۲۹	۰/۰۰۰
		درون گروهی	۲۱۸/۱۶	۲۹۷		
		کل	۲۵۵/۳۲	۲۹۹		
	تداعی خاطرات شخصی	بین گروهی	۱۸/۳۲	۲	۱۸/۱۲	۰/۰۰۰
		درون گروهی	۱۵۰/۱۱	۲۹۷		
		کل	۱۶۸/۴۳	۲۹۹		
فرهنگی	فعال بودن در ساعات بسیاری از شبانه‌روز	بین گروهی	۲۳/۴۹	۲	۱۶/۵۷	۰/۰۰۰
		درون گروهی	۲۱۰/۵۳	۲۹۷		
		کل	۲۳۴/۰۳	۲۹۹		

بوده است. بدین ترتیب می‌توان دریافت که برای افرادی که مدت‌زمان بیشتری در این محله ساکن بوده‌اند وجود وضوح و خوانایی در بوستان‌های مورد مطالعه، اهمیت بیشتری بر ارتقای حس تعلق به محله داشته است.

با مراجعه به جدول ۱۱ که در آن میانگین گویه‌های شناسایی‌شده از منظر مدت‌زمان سکونت پرسش‌شوندگان در محله آمده است می‌توان دریافت که به‌عنوان مثال در گویه وضوح و خوانایی بوستان، بیشترین تفاوت بین آرا پرسش‌شوندگان مربوط به سکونت بالای ۱۵ سال (۳/۹۲) و ۵-۱۵ سال (۳/۰۴) در محله

جدول ۱۱. نتایج بررسی میانگین گویه‌های شناسایی شده از منظر مدت‌زمان سکونت پرسش‌شوندگان در محله

مؤلفه	بعد	گویه	زیر ۵ سال	۵-۱۵ سال	مدت‌زمان سکونت	بالای ۱۵ سال
			میانگین	میانگین	میانگین	میانگین
کالبدی		میلان بوستان	۳/۹۷	۰/۵۹	۳/۶۶	۰/۷۸
		نورپردازی بوستان	۲/۸۶	۰/۹۸	۲/۹۰	۰/۹۷
		وضوح و خوانایی فضای بوستان	۳/۲۳	۰/۸۴	۳/۰۴	۰/۹۵
فردی		تداعی خاطرات شخصی	۳/۸۲	۰/۷۰	۳/۷۹	۰/۷۵
	اجتماعی-فرهنگی	فعال بودن در ساعات بسیاری از شبانه‌روز	۳/۵۴	۰/۷۳	۳/۱۷	۰/۹۸
			۲/۸۳	۲/۸۳	۲/۸۳	۰/۷۵

بوستان در ایام همه‌گیری کووید-۱۹ نسبت به افراد بدون کودک اهمیت بیشتری یافته است. همچنین است گویه ابعاد و مقیاس بوستان به سبب کنترل تراکم جمعیت در بوستان و تکثیر حداقلی بیماری و تأمین سرانه مطلوب در دوران بیماری به‌منظور کنترل حضور کودک در بوستان. میانگین گویه‌های دیگری چون وضوح و خوانایی فضای بوستان، کیفیت ایجاد تصویر ذهنی، و فعال بودن در ساعات بسیاری از شبانه‌روز نیز تفاوت معنی‌داری در بین افراد دارای کودک و بدون کودک داشت.

همچنین بررسی تأثیر دارا بودن کودک بر میانگین گویه‌ها از طریق آزمون تی مستقل صورت پذیرفت. آزمون تی مستقل برای مقایسه میانگین‌های دو گروه آماری مستقل کاربرد دارد. نتایج حاصل از این آزمون به قرار جدول ۱۲ ارائه گردید. مطابق با این جدول دارا بودن یا نبودن کودک در پاسخ پرسش‌شوندگان به برخی گویه‌ها یا به عبارتی احساس تعلق پرسش‌شوندگان به بوستان در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ تفاوت معناداری ایجاد کرد. به‌عنوان مثال برای افراد دارای کودک گویه بازی‌پذیری

جدول ۱۲. نتایج آزمون تی مستقل به‌منظور بررسی تأثیر دارا بودن کودک بر گویه‌های مورد مطالعه

مؤلفه	بعد	گویه	دارا بودن کودک	
			کودک دارد	کودک ندارد
کالبدی			میانگین	انحراف معیار
			۳/۹۳	۰/۵۹
			۴/۴۸	۰/۶۵
			۴/۶۸	۰/۵۳
			۴/۶۰	۰/۵۵
			۳/۰۴	۰/۷۳
			۴/۵۳	۰/۵۶
			۳/۱۷	۰/۸۹
			۴/۵۰	۰/۶۴
			۳/۸۰	۰/۷۰
			۳/۰۶	۱/۰۱
			۴/۲۷	۰/۶۷
			۳/۹۸	۰/۸۹
			۴/۷۰	۰/۴۶
			۳/۷۵	۰/۸۷
			۳/۲۰	۰/۶۵
فردی			۳/۹۴	۰/۷۳
			۴/۰۲	۰/۷۰
			۴/۵۷	۰/۵۱
			۳/۹۳	۰/۷۶
			۳/۵۲	۱/۱۲
			۳/۷۰	۱/۱۲
			۴/۳۱	۰/۶۹
			۴/۰۳	۰/۸۷
			۲/۸۱	۰/۷۳
			۴/۰۱	۰/۸۰
اجتماعی-فرهنگی			۳/۹۳	۰/۷۶
			۳/۵۲	۱/۱۲
			۳/۷۰	۱/۱۲
			۴/۳۱	۰/۶۹
غیرکالبدی			۳/۹۳	۰/۷۶
			۳/۵۲	۱/۱۲
			۳/۷۰	۱/۱۲
			۴/۳۱	۰/۶۹

بحث و نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر همه‌گیری بیماری کووید-۱۹ با تحدید حضور مردم در سطح محلات، و در همراهی با توسعه نابسامان شهری و بحران‌های حاصل از زندگی مدرن، موجب افزایش احساس بیگانگی بین مردم و محیط، و کاهش انس، پیوند، و تعلق فرد به محیط گشته است. به دنبال این امر، در دوران همه‌گیری این بیماری مردم به آسیب‌های روانی بسیاری نظیر افسردگی، استرس، و اضطراب دچار شده‌اند. به همین دلیل شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد حس تعلق افراد به فضاهای موجود در محلات شهری در دوران این بیماری حائز اهمیت است. از این‌رو این پژوهش در پی شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بوستان‌ها در ارتقای حس تعلق افراد به محله در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ از طریق موردپژوهی در بوستان‌های گلدشت، فردوس، و پرواز در محله فردوس غرب در منطقه ۵ تهران بود. پژوهش گویه‌های مؤثر بوستان‌ها در ارتقای حس تعلق افراد به محله در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ را با استفاده از

منابع کتابخانه‌ای، و روش تحلیل محتوا و دلفی ذیل دو مؤلفه کالبدی و غیرکالبدی ارائه کرد. این گویه‌ها در مؤلفه غیرکالبدی شامل دو بعد فردی و اجتماعی-فرهنگی بود. در مجموع ۲۵ گویه در ذیل این دو مؤلفه شناسایی گردید که با تدوین پرسش‌نامه محقق ساخته و با استفاده از نرم‌افزار SPSS و با روش‌های آماری توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آماره‌های استنباطی (آزمون فریدمن، آزمون واریانس یک‌طرفه، و آزمون تی مستقل) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. همچنین به طبقه‌بندی پرسش-شوندگان از نظر سن، میزان مراجعه به بوستان، مدت سکونت در محله، و دارا بودن کودک پرداخته شد.

نتایج حاصل از اولویت‌بندی گویه‌ها بر اساس آزمون فریدمن نشان داده است که حس امنیت ذیل بعد اجتماعی-فرهنگی مؤلفه غیرکالبدی، فاصله بوستان تا محل سکونت، کیفیت پوشش گیاهی و فضاهای طبیعی، تأمین امکانات رفاهی-بهداشتی استفاده‌کنندگان، کیفیت دسترسی‌ها، و ابعاد و مقیاس بوستان ذیل مؤلفه کالبدی، امکان کنترل و نظارت اجتماعی ذیل بعد اجتماعی-

فرهنگی مؤلفه غیرکالبدی، مطلوبیت زیبایی‌شناختی و آرامش بصری ذیل مؤلفه کالبدی، مشارکت‌پذیری بوستان و امکان کنترل و نظارت اجتماعی ذیل بعد اجتماعی-فرهنگی مؤلفه غیرکالبدی، و حفظ حریم، محصوریت و ایجاد قلمرو ذیل مؤلفه کالبدی به ترتیب ۱۰ اولویت اول پرسش‌شوندگان بوده است. بدین ترتیب در پاسخ به سؤال نخست پژوهش، این ده گویه را می‌توان از گویه‌ها و مؤلفه‌های مؤثرتر بوستان‌ها بر ارتقای حس تعلق افراد به محله در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ دانست.

به‌منظور پاسخ به سؤال دوم پژوهش یعنی تأثیر هر یک از مؤلفه‌های مؤثر بوستان‌ها در ارتقای حس تعلق افراد به محله در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ نیز سن، میزان مراجعه به بوستان، و مدت سکونت در محله، و تأثیر دارا بودن کودک بین مراجعه‌کنندگان به بوستان بر هر یک از گویه‌ها و مؤلفه‌ها ارزیابی شد.

نتایج حاصل از بررسی سن، میزان مراجعه به بوستان، و مدت سکونت در محله تفاوت معناداری را در پاسخ پرسش‌شوندگان به برخی گویه‌ها نشان داده است که بررسی چگونگی این تأثیر از طریق تحلیل میانگین گویه‌ها با آزمون واریانس یک‌طرفه صورت پذیرفت.

نتایج حاصل از این آزمون بین سن پرسش‌شوندگان و گویه‌های مورد مطالعه نشان داده است که در اکثر گویه‌ها بخصوص وضوح و خوانایی بوستان، نورپردازی بوستان، امکان کنترل و نظارت اجتماعی، حس صمیمیت و خودمانی بودن، و امکان گفتگو و تعامل تفاوت معناداری بین مقادیر میانگین از منظر ۳ گروه سنی مورد مطالعه، وجود داشته است. بدین ترتیب که وضوح و خوانایی، نورپردازی بوستان، امکان کنترل و نظارت اجتماع، و امکان گفتگو و تعامل برای گروه سنی بالای ۵۵ سال بیشترین میانگین یا به تعبیری اهمیت را داشته است. در مقابل حس صمیمت و خودمانی بودن برای گروه سنی ۱۸-۳۵ سال اهمیت بیشتری داشته است.

واریانس یک‌طرفه بین میزان مراجعه به بوستان و گویه‌های مورد مطالعه نیز وجود تفاوت معناداری را بین نظریات پرسش-شوندگان در گویه‌هایی چون کیفیت دسترسی‌ها، فعال بودن در ساعات بسیاری از شبانه‌روز، ایجاد و ارتقای پیوندهای اجتماعی، بازی‌پذیری بوستان، و کیفیت ایجاد تصویر ذهنی نشان داده است. نتایج واریانس یک‌طرفه بین میزان مراجعه به بوستان و گویه‌های مورد مطالعه حاکی از این بود که کیفیت دسترسی برای افرادی که به‌طور متوسط یک یا دو بار در ماه به بوستان مراجعه می‌کنند نسبت به سایر گروه‌ها بیشتر حائز اهمیت بوده است. از دلایل این اهمیت گاه می‌تواند فاصله بیشتر ایشان تا بوستان باشد که لزوم توجه بیشتر به دسترسی‌های آن را توجیه می‌کند. فعال بودن بوستان در ساعات بسیاری از شبانه‌روز نیز برای

افرادی که هر روز به بوستان مراجعه می‌کردند اهمیت بیشتری یافته بود که می‌تواند ناشی از تمایل بیشتر ایشان به حضور در بوستان بوده باشد. نتایج این آزمون همچنین حاکی از این بود که مدت‌زمان سکونت در محله مورد مطالعه تفاوت معناداری را در پاسخ پرسش‌شوندگان به برخی گویه‌ها چون وضوح و خوانایی فضای بوستان، نورپردازی بوستان، مبلمان بوستان، تداعی خاطرات شخصی، و فعال بودن در ساعات بسیاری از شبانه‌روز ایجاد کرد. لذا در ادامه مقادیر میانگین این گویه‌ها در ذیل گروه‌های سنی، میزان مراجعه به بوستان، مدت سکونت در محله برداشت و تحلیل شد. نتایج نشان داده است که برای افرادی که مدت‌زمان بیشتری در این محله ساکن بوده‌اند (بالای ۱۵ سال) وضوح و خوانایی، نورپردازی، مبلمان، و تداعی خاطرات شخصی در بوستان‌های مورد مطالعه اهمیت بیشتری داشته است که می‌تواند ناشی از انس بیشتر ایشان با مکان‌های مورد مطالعه باشد.

در مقابل فعال بودن در ساعات بسیاری از شبانه‌روز برای افرادی که کمتر از ۵ سال در محله ساکن بوده‌اند اهمیت بیشتری داشته است. تأثیر دارا بودن کودک در پاسخ پرسش‌شوندگان به برخی گویه‌ها نیز از طریق آزمون تی مستقل برداشت شد. نتایج این آزمون نشان داده است که در گویه‌هایی چون بازی‌پذیری بوستان، ابعاد و مقیاس بوستان، وضوح و خوانایی فضای بوستان، کیفیت ایجاد تصویر ذهنی، و فعال بودن در ساعات بسیاری از شبانه‌روز تفاوت معنی‌داری در پاسخ پرسش‌شوندگان یا به عبارتی احساس تعلق ایشان به بوستان در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ وجود داشته است. برای افراد دارای کودک گویه بازی‌پذیری بوستان در ایام همه‌گیری کووید-۱۹ نسبت به افراد بدون کودک اهمیت بیشتری یافته است. همچنین است گویه ابعاد و مقیاس بوستان که می‌تواند ناشی از تمایل به کنترل تراکم جمعیت در بوستان و تکثیر حداقلی بیماری و تأمین سرانه مطلوب در دوران بیماری به‌منظور کنترل حضور کودک در بوستان بوده باشد. میانگین گویه‌های دیگری چون وضوح و خوانایی فضای بوستان نیز برای افراد دارای کودک اهمیت بیشتری داشته است. در مقابل میانگین گویه‌هایی چون کیفیت ایجاد تصویر ذهنی و فعال بودن در ساعات بسیاری از شبانه‌روز برای افراد بدون کودک اهمیت بیشتری داشته است. در نهایت می‌توان دریافت که دارا بودن کودک می‌تواند در مؤلفه‌های مؤثر بر ایجاد حس تعلق افراد به بوستان‌ها تأثیرگذار باشد.

مقایسه نتایج این پژوهش با بسیاری از تحقیقات انجام پذیرفته در خصوص حس تعلق انسان به مکان چون پژوهش‌های سرمست و متوسلی (۱۳۸۹)، جوان فروزنده و مطلبی (۱۳۹۰)، دویران و کریمی‌نژاد (۱۳۹۱)، فاضلیان و قاسمی (۱۳۹۲)، ملکی و

در بوستان در جهت کاستن از تشویش‌های عاطفی و روحی و افزایش حس تعلق افراد به محله در دوران بیماری کووید-۱۹.

- تلاش برای تأمین و تقویت امکانات رفاهی-بهداشتی بوستان‌ها برای استفاده‌کنندگان در جهت تکثیر حداقلی بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ و به‌منظور ارتقای حس تعلق به محله.

- پیش‌بینی وجود بوستان‌های مکفی در محله به‌منظور دسترسی راحت‌تر بدان‌ها و پیشگیری از تکثیر بیماری و همچنین تقلیل فاصله بوستان تا محل سکونت ساکنین.

- برنامه‌ریزی در جهت توسعه و بهبود مسیرهای دسترسی به بوستان در جهت سهولت دسترسی به بوستان و مراجعه بدان در دوران بیماری کووید-۱۹.

- توجه به ابعاد و مقیاس بوستان در راستای کنترل تراکم جمعیت، تأمین سرانه مطلوب، و تکثیر حداقلی بیماری.

- توجه به کیفیت طراحی پوشش گیاهی و فضاهای طبیعی و مطلوبیت زیبایی‌شناختی و بصری بوستان در جهت کاستن از تأثیرات منفی روانشناختی کووید-۱۹ و افزایش حس تعلق به محله.

- مشارکت‌پذیری بوستان به معنی ایجاد امکان گردهمایی به‌منظور آموزش و آگاهی عمومی نسبت به بیماری، برگزاری جشن‌های ملی - مذهبی، برگزاری رویدادهای خاص و آئین‌های جمعی در آن با در نظر داشتن تمهیدات مربوط به تکثیر حداقلی بیماری.

همکاران (۱۳۹۳)، نادری و همکاران (۱۳۹۳)، بهرام‌پور و مدیری (۱۳۹۴)، صفرنژاد و همکاران (۱۳۹۵)، و روشنی و همکاران (۱۳۹۷) نشان داده است که مؤلفه‌ها و گویه‌های بسیاری در افزایش حس تعلق انسان به مکان دخیل هستند. اما مهم‌ترین تمایز این پژوهش با تحقیقات نامبرده تلاش برای ارزیابی و شناسایی این مؤلفه‌ها و گویه‌ها در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ بوده است.

در پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌گردد که به شناسایی و مطالعه مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد حس تعلق افراد به دیگر فضاهای موجود در محلات شهری بخصوص پرداخته شود و در صورت امکان عوامل مؤثر در ایجاد حس تعلق در دوران بیماری-های واگیر در این مکان‌ها مورد بررسی قرار گیرد. همچنین مطالعه در خصوص عوامل مؤثر بر ایجاد حس سرزندگی، آرامش، تعامل، و امنیت افراد در مکان بخصوص در همه‌گیری کووید-۱۹ می‌تواند مدنظر پژوهشگران قرار گیرد.

راهکارها

براساس یافته‌های این پژوهش به‌منظور ارتقای حس تعلق افراد به محله در بوستان‌ها در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ می‌توان راهکارهای ذیل را ارائه کرد:

- برنامه‌ریزی در جهت تقویت حس امنیت افراد در بوستان از طریق کنترل و نظارت اجتماعی و حضور مؤثر مسئولین انتظامی

References

- Abizadeh, S. (2021). Evaluation of criteria affecting women's activity in urban space (case study: Esfairs sidewalk, Ardebil). *Studies of human settlements planning (journal of geographical landscape)*, 16(3), 667-681. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.25385968.1400.16.3.15.2> (In Persian)
- Alexander, C. (1979). *The timeless way of building*. Oxford university press, New York.
- AliAbbaszadeh, A., Medghalchi, L., & and Haghparast, F. (2022). Participation of Mental Patients in the Process of Designing Curative Gardens to Increase the Social Stability in Therapeutic Centers. *Hoviatshahr*, 16(2), 17-26. <https://doi.org/10.30495/hoviatshahr.2022.61204.12032>. (In Persian)
- Allaei, A. A., Yazdanfar, S. A., Hosseini, S. B., & Norouzian-Maleki, S. (2019). The Significant Indicators for the Assessment of Social Sustainability in Housing. *Soffeh*, 30(1), 1-26. <https://doi.org/10.29252/soffeh.30.1.5>. (In Persian)
- Altman, I., & Low, S. M. (1992). *Place attachment*. Plenum Press, New York.
- Altman, I. (2003). *Environment and social behavior*. (Translated by J. Afsar and A. Namazian). Tehran: Shahid Beheshti University. (In Persian)
- Anabestani, A. A., & Faal Jalali, A. (2021). The Effect of Architectural Architecture on Promoting Place of Love in Rural Settlements (Case Study: Karadeh Village of Mashhad). *GEOGRAPHY AND TERRITORIAL SPATIAL ARRANGEMENT*, 11(39), 21-42. <https://doi.org/10.22111/gaij.2021.6293>. (In Persian)
- Arbani, M. H., Bavar, S. (2020). How the architectural environment and urban planning cope with the epidemic of Covid-19, *Journal of MemariShenasi*, 3(16), 1-9. <https://www.sid.ir/paper/526316/fa>. (In Persian)
- Azimi, E., Mobara, H., & Farzadmanesh, M. (2023). Investigating the Impact of Spatial Habitat and Environmental Quality on Improving Satisfaction of Citizens from Localities (Case study:

- Keshavarz District 6th District of Tehran). *Journal of Geographical Sciences*, 23(68), 365-382. <http://dx.doi.org/10.52547/jgs.23.68.365>. (In Persian)
- Bahrampour, A., & Modiri, A. (2015). Study of Relationship between Residents Satisfaction from Living Environment and their Attachment Sense in Kowsar High-Rise Residential Complex. *Honar-Ha-Ye-Ziba, Memari-Va-Shahrsazi*, 20(3), 85-94. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2015.56880>. (In Persian)
- Bazi, Kh., Mirzapour, S., & Afrasiyabi Rad, M. S. (2013). Spatial and locative Consequences of a place sense of belonging in to place in Khorramabad districts. *Sustainable Architecture and Urban Design*, 2(2), 1-15. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.25886274.1393.2.2.1.6>. (In Persian)
- Bonaiuto, M., Aiello, A., Perugini, M., Bonnes, M., & Ercolani, A. P. (1999). Multidimensional perception of residential environment quality and neighborhood attachment in the urban environment, *J. Environ. Psychol*, 19, 331-352. <https://doi.org/10.1006/jevp.1999.0138>
- Canter, D. (1977). *The psychology of place*. The architectural press, London.
- Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (2009). *Public places urban spaces the dimensions of urban design*. (Translated by F. Gharai, M. Shokohi, Z. Ahari and I. Salehi). Tehran: University of Art. (In Persian)
- Chang, V. (2020). The post-pandemic style. <https://slate.com/business/2020/04/coronavirus-architecture-1918-flucholera-modernism.html> (Accessed 28 April 2020).
- Choguill, C. L. (2008). Developing sustainable neighborhood. *Habitat international*, 32(1), 41-48. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2007.06.007>
- Daeipour, Z. (2014). The relationship between the presence of nature and the increase in the sense of belonging in the Iranian traditional houses. *Bagh-E Nazar*, 11(30), 49-58. https://www.bagh-sj.com/article_6497.html. (In Persian)
- Daviran, S., & Kariminezhad, M. (2014). Urban identity and sense of place in new public spaces (Nahj olbalagheh Park in Tehran city). *Hoviatshahr*, 8(18), 81-92. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17359562.1393.8.18.8.3>. (In Persian)
- Dear, M., & Wolch, J. (1989). *How territory shapes social life*. In Wolch, J. and Dear, M. The power of Gography: How territory shapes social life. Unwin Hyman. Boston.
- Dehghan, N. (2022). Analyzing The Level of Recreational Places Attachment by Explaining The Place Meanings (Case Study: Zayandehrood Village). *Geography and territorial spatlal arrangment*, 12(43), 91-122. <https://doi.org/10.22111/gaij.2022.41393.2990>. (In Persian)
- Divandari, J., Danaeinia, A., & Ansari, M. (2019). Feasibility of grant application on Historical Houses based on Canter' s Positional Model (The Case Study of Molasadra Historical House). *MAREMAT-E ASAR & BAFT-HAYE TARIKHI-FARHANG*, 8(15), pp. 59-73. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.23453850.1397.8.15.5.0>. (In Persian)
- Eghbali, S. R., Zeynali, R., & Esmaeili, E. (2017). Comparative Evaluation of the Citizens' Sense of Belonging to Ayalat Square of Urmia and Hassan Abad Square of Tehran through the Study of Place Identity, *Hoviatshahr*, 10(27), 29-40. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17359562.1395.10.4.3.4>. (In Persian)
- Falahat, M. S. (2015). The sense of place and its factors. *Honar-Ha-Ye-Ziba, Memari-Va-Shahrsazi*, (26), 57-66. <https://www.sid.ir/paper/5847/fa>. (In Persian)
- Fazelian, S. M., & Ghasemi, M. R. (2013). Study the characteristics appropriate social spaces to create a sense of belonging to the neighborhood Case study: Region 2 of Tehran municipality. *Urban Management Studies*, (16)5, 57-71. https://ums.srbiau.ac.ir/article_6446.html. (In Persian)
- Ghafourian, M., Afshin Mehr, V., & Norouzizadeh, Z. (2017). Recognition of the Components of Social Sustainability and Their Impact on Increasing Social Interactions in Housing (Case Study: Abazar Neighborhood, Tehran). *Hoviatshahr*, 11(2), 31-44. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17359562.1396.11.2.3.7>. (In Persian)
- Ghanbaran, Abdul Majid; Salehi, Behrouz; Ferdowsian, Sima and Fath Elahi, Sajjad (2017). Studying

- Effective Factors on the Sense of Belonging to a Place in Academic Spaces of Tehran. *Iranian higher education*, 10(2), 47-65. <http://ihej.ir/article-1-1209-fa.html>. (In Persian)
- Ghasemi, M. (2004). *Where am I from? Identity of residential contexts*. Tehran: Rozaneh. (In Persian)
- Gehl, J. (2008). *Life between buildings: using public space*. Tehran: Jahade-Daneshgahi Publication. (In Persian)
- Giuliani M. V., & Feldman. R. (1993). Place attachment in a developmental and cultural context. *Journal of Environmental Psychology*, 13, 267-274. [https://doi.org/10.1016/S0272-4944\(05\)80179-3](https://doi.org/10.1016/S0272-4944(05)80179-3)
- Gustafson, P. (2001), Meaning of Place: Every Day Experience and Theoretical Conceptualization. *Journal of Environmental Psychology*. 21, 5-16. <https://doi.org/10.1006/jevp.2000.0185>
- Haleem, A., Javaid, M., Vaishya, R., & Deshmukh, S. (2020). Areas of academic research with the impact of COVID-19. *The American Journal of Emergency Medicine*, 38(7), 1515-1539. <https://doi.org/10.1016/j.ajem.2020.04.022>
- Hamid, N., & Babamiri, M. (2012). Investigate the relationship between green space and mental health. *Iranian Journal of Armaghan*, 17, 309-316.
- Hanna. A. (1958). *The human condition: introduction by Margaret Canovan* (2nd Ed.) Originally published: Chicago: University of Chicago Press Hummon.
- Hidalgo, C., & Hernandez, B. (2001). Place Attachment: Conceptual and Empirical Questions. *Journal of Environmental Psychology*, 21, 273-281. <https://doi.org/10.1006/jevp.2001.0221>
- Jacobs, J. (2013). *The death and life of great American cities*. (Translated by H. Parsi and A. Platoni). Tehran: University of Tehran. (In Persian)
- Javan Forouzande, A., Motalebi, G. (2011). The Concept of Place Attachment and its Elements. *Hoviatshahr*, 5(8), 27-38. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17359562.1390.5.8.3.7>. (In Persian)
- Kamalipour, H., Jeddi Yeganeh. A., & Alalhesabi, M. (2012). Predictors of Place Attachment in Urban Residential Environments. *Social and Behavioral Sciences*, 35, 459-467. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.02.111>
- Kameli, M., & Azemati, H. R. (2021). Investigating the relationship between the sense of belonging to the place and the level of social security of citizens-Case study: Qom. *JOURNAL OF GEOGRAPHICAL SCIENCES*, 21(61), 241-258. <http://dx.doi.org/10.52547/jgs.21.61.241>. (In Persian)
- KazemNejad, A., Khalkhali, H. R., & Kazempour Dizji, M. (1999) *One hundred statistical tests with SPSS software guide*. Tehran: Dibagaran. (In Persian)
- Knox, P., & Pinch, S. (2000). *Urban Social Geography: An Introduction*. Prentice Hall: Harlow.
- Lubell, S. (2020). Commentary: Past pandemics changed the design of cities. Six ways covid-19 could do the same. Available at: <https://www.latimes.com/entertainment-arts/story/2020-04-22/coronavirus-pandemics-architecture-urban-design> .
- Lynch, K. (1981). *Theory of good city form*. Mit Press.
- Lynch, K. (2002). *A theory of good city form*. (Translated by S. H. Bahraini). Tehran: University of Tehran. (In Persian)
- Maleki, M. R., Parsa, S., Vasiq, B., & Moradi, I. (2015). Dependency to the Place of Living Based On Gender Differences (Case Study: Ilam City). *Housing and rural Environment*, (148), 99-109. <http://jhre.ir/article-1-365-fa.html>. (In Persian)
- Mirza Hossein, S., Ahmadi, M., & Zaker Haghighi, K. (2022). Assessing the Effective Factors on Livability Urban Spaces Based on the Sense of Place among Tehran Citizens. *ENVIRONMENTAL BASED TERRITORIAL PLANNING (AMAYESH)*, 15(56), 27-46. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.2676783.1401.15.56.2.1>. (In Persian)
- Mondegari, K., & Mohammadi, M. (2012). The role of meaning in determining the properties of compatible function with historic ruins. *Journal of Architecture Hot and dry climate*, 2(2), 99-110. . <https://ensani.ir/fa/article/499574>. (In Persian)

- Naderi, A., ShirAli, E., & Ghasemi Kafroudi, S. (2013). The Evaluation of a Sense of Neighborhood Dependency and its Role in Social Participation (Case of Study: Ne'mat-abad Neighborhood). *Iranian Social development Studies*, 6(3), 7-21. <https://sanad.iau.ir/Journal/jisds/Article/821464> (In Persian)
- Ott, W. R. (1978). *Environmental indices: Theory and practice*. Ann Arbor Science Publishers, Ann Arbor.
- Pakzad, J. (1996). Identity with space, *Soffeh*, 6(22-21). (In Persian)
- Porteous, J. D. (1971). Design with people: The quality of the urban environment. *Environment and Behavior*, 3(2), 155- 177. <https://doi.org/10.1177/001391657100300204>
- Rapoport, A. (1981). *Identity and Environment: Cross-cultural perspective*. Billing and sons limited, London.
- Relph, E. (1976). *Place and place lessness*. pi on, London.
- Riger, S., & Lavrakas, P. J. (1981). Communities: patterns of attachment and social interaction in urban neighborhoods. *American Journal of Community Psychology*, 9, 55-66. <https://doi.org/10.1007/BF00896360>
- Roshni, S., Rezvani, N., & Pasian Khamari, R. (2017). Assessing and rating sense of belonging in the neighborhoods of old district of Gorgan. *Maremat va Memari-e Iran*. 8(15). 89-107. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.23453850.1397.8.15.9.4>. (In Persian)
- Safranejad, M., Karimi Azar, A. R., & Gholamalizade, H. (2016). Identify Factors Contributing to the Enhancement of the City's Identity and Increasing Citizens' Sense of Belonging in the Design of Cultural and Administrative Buildings (Case Study: Rasht). *Iranian Cultural Research*, 9 (4), 1-32. <https://doi.org/10.22035/ijcr.2017.312>. (In Persian)
- Sarmast, B., & Metevaseli, M. M. (2009). Mwasure and analyze the role of place scale on the place attachment (case study: Tehran). *Urban Management*, (26), 133-146. <https://www.sid.ir/paper/92177/fa>. (In Persian)
- Scannell, L., & Gifford, R. (2010). Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 1-10. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2009.09.006>
- Schultz, C. (2012). *Spirit of place: Towards a phenomenology of architecture*. Tehran: Rokhdad-e Nou. (In Persian)
- Shahcheraghi, A., & Bandarabad, A. (2015). *Surrounded by the environment*. Second edition. Tehran: Jahade-Daneshgahi Publication. (In Persian)
- Shigemura, J., Ursano, R.J., Morganstein, J.C., Kurosawa, M., Benedek, D.M. (2020). Public responses to the novel 2019 coronavirus (2019-nCoV) in Japan: mental health consequences and target populations. *Psychiatry Clin. Neurosci*, 74, 281-282. <https://doi.org/10.1111/pcn.12988>
- Siavashpour, B., Shadloo Jahormi, M., & Nodehi, H. (2015). The role of green space in children's educational environment to strengthen the sense of place attachment (case study: elementary schools in region 2 of Shiraz). *Environmental Sciences*, 14(4), 105-120. <https://www.sid.ir/paper/117530/fa>. (In Persian)
- Steele, Fritz. (1981). *the sense of place*. Boston: CBI Publishing Company.
- Taghvaei, M. Babanasab, R., Moosavi, CH. (2009). An Analysis of assessment of effective factors on citizens' participation in civic management: case study of district 4 of Tabriz. *Urban-Regional Studies and Research*, 1(2), 19-36. <https://www.sid.ir/paper/153024/fa>. (In Persian)
- Tahmasebizadeh, F., & Solemani, H. (2022). Analysis of the Situation and the Relationship of Satisfaction and Sense of Honor in Urban Neighborhoods Case Study: Fardavan Neighborhood of Isfahan. *RESEARCH AND URBAN PLANNING*, 12(47), 149-166. <https://doi.org/10.30495/jupm.2022.4410>. (In Persian)
- Van poll, R. (1997). *The perceived quality of the urban residential environment*. A multi attitude evaluation, PhD thesis, center for energy and environmental studies (IVEM), university of

Groningen (RuG), the Netherlands.

- Wang, C., Pan, R., Wan, X., Tan, Y., Xu, L., Ho, C.S., Ho, R.C. (2020). Immediate psychological responses and associated factors during the initial stage of the 2019 coronavirus disease (COVID 19) epidemic among the general population in China. *Int. J. Environ. Res. Public Health*, 17, 1729.
- Yang, Y., Li, W., Zhang, Q., Zhang, L., Cheung, T., Xiang, Y.-T. (2020). Mental health services for older adults in China during the COVID-19 outbreak. *Lancet. Psychiatry* 7, 19. <https://doi.org/10.3390/ijerph17051729>